

فهرست مقالات:

- سرمقاله: تهدیدهای عدم التزام به قوانین و اصول حقوقی در فعالیت های معدنی (Editorail) ۲
- امنیت در معدن و ضرورت صیانت از حقوق معدن کاری ۴
- بررسی چالش های پیش روی مدیران در ایفای مسئولیت اجتماعی سازمانی ۶
- معدن، مسئولیت پذیری اجتماعی و ذی نفعان محلی ۸
- پیشگیری از ممانعت های محلی نیازمند تعریف چهارچوب اجرایی ۹
- میزگرد حقوقی، تخصصی با موضوع بررسی چالش های موجود در مشارکت اجتماعی معدن کاران و تعاملات با ذی نفعان کلیدی عرصه توسعه جوامع محلی ۱۲
- تحلیل ماده ۲۲ قانون معادن ۲۲
- شاخص های بالابردن راندها ایمنی و کاهش سوانح در معادن ۲۵
- ضرورت مشارکت های بین بخشی و ذی نفع گرای برای حل چالش های اجتماعی ۲۹
- بررسی و تحلیلی بر تبصره ۲ و ۳ ماده ۵ قانون معادن ۳۱



صاحب امتیاز:

موسسه مشاوره و داوری معدن و صنایع معدنی صمنا

مدیر مسئول:

محمد رضا بهراهن

سر دبیر:

عباسعلی دریانی

شورای سیاست گذاری:

علاء میرمحمد صادقی، منصور نجمی نیا،

عباسعلی دریانی، کیهان گوهرین،

سحر رکنی

ویراستار:

ماریا پارسا

گرافیک و صفحه آر:

سید محمد رضا ستوده

چاپ:

کیان چاپ

آدرس:

ایران، تهران، خیابان سعیه، بین فرصت و

ایران شهر، جنب بانک سپه، پلاک ۱۹۵،

طبقه سوم

کد پستی: ۱۵۸۱۷۳۸۹۱۵

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۱۲۵۰۴

فکس: ۰۲۱-۸۸۸۳۱۶۰۵

ایمیل:

info@samtaadvocacy.ir

مهندس محمدرضا بهرامن

مدیر مسئول ماهنامه معدن و حقوق معادن

سرمقاله

تهدیدهای عدم التزام به قوانین و اصول حقوقی در

فعالیت‌های معدنی

تضییع منابع و استعدادهای طبیعی و انسانی، هرج و مرج و پایین آمدن کیفیت زندگی در همه سطوح، برانگیخته شدن حس انتقام‌گیری در بخش سالم و ضعیف جامعه و مواردی از این قبیل اشاره نمود.

حال با در نظر گرفتن پیش‌فرض‌های بیان‌شده می‌توان تهدیدهای عدم التزام به قوانین و اصول حقوقی به‌طور عام را به فعالیت‌های معدنی به‌طور خاص تعمیم داد. به‌عنوان مثال، در صورت عدم اجرای ماده ۲ قانون معادن در خصوص وظایف وزارت صنعت، معدن و تجارت در اعمال حاکمیت نسبت به معادن کشور، این فعالیت سازنده می‌تواند به تهدیدی علیه اقتصاد کشور تبدیل شود و از این منظر مشکلات فراوانی را ایجاد نماید.

همچنین در صورت عدم اجرای احکامی چون موارد مندرج در ماده‌های ۱۴، ۱۹، ۲۴ و ۲۶ قانون معادن آثار سوئی از جنس موارد پیش‌گفته را ایجاد می‌نماید که مصداق آن عدم امکان رسیدن به سطح مطلوبی از اهداف قانون‌گذار ۲ را که حکیم بودن از اوصاف آن است، در پی خواهد داشت؛ لذا باتوجه به نکات پایه‌ای بیان‌شده در این مرقومه ضرورت دارد تا کلیه مخاطبان گرامی ضمن اهتمام ورزیدن به احکام مندرج در مقررات تمام تلاش خود را در راستای اجرایی‌شدن آن‌ها به کار بندند.

انسان‌ها مبادرت به حذف یکدیگر جهت کسب منافع بیشتر می‌کنند؟ حتی فراتر از این نکته، آیا اساساً در صورت عدم وجود قانون، امکان تشکیل جوامع انسانی و همکاری بین انسان‌ها جهت تولید ثروت ایجاد می‌گردد؟! پاسخ تمام این سؤال‌ها و موارد مشابه در ادوار مختلف تاریخ، انسان را به سمت وضع قوانین و ایجاد حدودی برای فعالیت‌های اشخاص که واجد محدودیت‌های ظاهری بوده سوق داده است؛ اما در دل این به‌ظاهر محدودیت‌ها، آزادی‌هایی از جنس آزادی مادی و معنوی را برای هموار نمودن مسیر پیشرفت انسان به ارمغان آورده است که با ژرف‌نگری در این مهم اهمیت وجود قوانین به‌روشنی قابل‌مشاهده است.

نکته‌ی مهم دیگر پس از وضع قوانین التزام جامعه‌ی هدف به اجرای آن و ایجاد ضمانت‌های اجرایی مؤثر در این خصوص است که اساس اهمیت وجود قوانین را دوچندان می‌نماید. در جامعه‌ای که با وجود قوانین مختلف اجرای آن‌ها با اختلال مواجه باشد اشکالات و تهدیدهای متعددی قابل بروز و ظهور خواهد بود؛ از جمله مهم‌ترین این معضلات می‌توان به عدم امکان نیل به اهداف عالی‌ی مدنظر قانون‌گذار که حکیم^۱ بودن از اوصاف آن است،

در شمارگان قبلی ماهنامه معدن و حقوق معادن سر مقاله‌ای تحت عنوان «جایگاه قانون‌مداری در فعالیت‌های معدنی ایران» تقدیم حضور مخاطبان گرامی شد که در آن فلسفه و ضرورت‌های قانون‌گذاری و تبعیت از قانون به‌اختصار بیان گردید. حال به جهت تبیین بیشتر این مهم و با بهره‌گیری از ابزار برهان خُلف که در علم منطق کاربرد دارد، نتایج عدم وجود قانون و عدم التزام به قوانین و اصول حقوقی در فعالیت‌های معدنی کشور در قالب چند مثال بیان خواهد شد.

فارغ از شرایط فعلی جامعه‌ی بشری اطرافمان، فرض کنید که به‌طور کلی در همه شئون زندگی و به‌طور خاص در زمینه‌ی فعالیت‌های معدنی هیچ‌گونه قانون یا ضابطه‌ای وجود ندارد؛ هر انسان با هر سلیقه، سطح فکر و توان ساخت‌افزایی در پی استمرار و تثبیت حیات خود گام برمی‌دارد؛ در این شرایط چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ آیا فطرت انسان به‌اضافه منفعت‌طلبی‌اش اساساً این امکان را ایجاد خواهد نمود که ابنای بشر در کنار هم جامعه‌ای را تشکیل داده و در امنیت کامل در همه شئون با یکدیگر زندگی کنند یا بر اساس فرضیه‌ی بیان‌شده حتی بدتر از جنگل (که حیوانات بر اساس غریزه‌ی خود فرایند طبیعت را تکمیل می‌کنند)،

۱- حکیم: دانا، فرزانه، خردمند

۲- اهداف قانون‌گذار: اهدافی از جنس ارتقای سطح اقتصاد معدنی کشور، ایجاد امنیت شغلی فعالین محترم این حوزه و حفظ منابع طبیعی

Threats of non-compliance with laws and legal principles in mining activities

Publisher of Mining and Law on Mining Monthly: Mohammad Reza Behraman

In the previous issues of the Mining and Mining Law Monthly, an editorial entitled "The position of the rule of law in Iran's mining activities" was presented to the audience, in which the philosophy and necessity of legislation and compliance with the law were briefly discussed.

Now, in order to further explain this matter and by using the proof by contradiction, which is used in the science of logic, the results of the absence of law and non-compliance with legal rules and principles in the mining activities of the country will be expressed in the form of a few examples.

Regardless of the existing situations of the human society around us, let's assume that there are no rules or regulations, in general, in all the rules of the agreement of life and specifically in the field of mining activities. Every human being with every manner, platform and hardware ability takes steps in pursuit of continuity and stabilization of his life. What will happen in this situation?

Will human nature, in addition to its

utilitarianism, make it chance for human beings to form a society together and live with each other in complete security, in all matters?

Or, based on the stated hypothesis, even worse than the forest (that animals complete the process of nature based on their instincts), do humans try to eliminate each other in order to gain more benefits?

Even beyond this point, basically, in the absence of law, is it possible to form human societies and collaboration between humans to produce wealth?! The answer to all these questions and similar cases in different periods of history has led man to establish laws and create limits for the activities of individuals who had apparent limitations. But in the conscience of these seeming restrictions, the law has brought freedoms of material and spiritual freedom to smooth the path of human progress, which can be clearly seen by looking extremely into this significant matter of the existence of laws.

Another important point is the assurance of the target community to its implementation and creating a guarantee of effective execution, which makes double the importance of the existence of laws.

In a society that faces disruption despite various laws, many problems and threats will appear. Among the most important of these problems,

we can mention the impossibility of achieving the high goals of the legislator, which is being wise, the waste of natural and human resources and talents, the chaos and the lowering of the quality of life at all levels, and the awakening of the sense of revenge in the healthy and weak part of the society.

Now, taking into account the stated presuppositions, the threats of non-compliance with laws and legal principles in general can be generalized to mining activities in particular.

For example, if Article 2 of the Mining Law is not implemented regarding the duties of the Ministry of Industry, Mine and Trade in exercising sovereignty over the country's mines, this constructive activity can become a threat to the country's economy and cause many problems.

Moreover, in case of non-implementation of provisions such as those contained in articles 14, 19, 24 and 26 of the Mining Law, adverse effects will follow. It creates the aforementioned cases, which is an example of the impossibility of reaching the desired level of the goals of the legislator, which is one of the attributes of being wise.

Consequently, according to the basic points stated in this article, it is necessary for all the dear audience to pay attention to the rules contained in the regulations and do their best to implement them.





دکتر عباسعلی دریانی

سر دبیر ماهنامه معدن و حقوق معادن

اهمیت در معدن و ضرورت صیانت از حقوق معدن کاری

راهکار قانونی صیانت قضایی خواهیم پرداخت. حقوق با عنوان امنیت در معدن و صیانت از حقوق معدن کاران آورده خواهد شد؛ البته به لحاظ ضرورت امر صیانت از معدن در اولین مقاله به صورت اختصاصی به موضوع امنیت معدن و راهکار قانونی صیانت قضایی خواهیم پرداخت.

همان گونه که در بالا توضیح داده شد **در دستگاه**

قضائی جمهوری اسلامی ایران اعم از دادسراها،

محاکم، شعب تجدیدنظر، شعب دیوان عالی کشور،

دیوان عدالت اداری و یا دادستان کل کشور، قضات،

مدیران بخش های قضایی به صورت تخصصی

آموزش لازم در رسیدگی در امورات معدنی با

تشریح ساختار معدن و حرفه معدن کاری و قوانین

تخصصی امر را نداشته اند؛ البته گاهی اوقات

دوره هایی برگزار می شود که یا استمرار نداشته اند و

یا آثار مطلوبی به دست نیامده؛ لذا ضرورت دارد

مدیران دولت از بخش صنعت و معدن و نمایندگان بخش خصوصی معادن با هماهنگی و ارائه درخواست های مورد نیاز استقرار و استمرار شعبه تخصصی معدن را خواستار شوند (البته خانه معدن ایران از محضر وزیر محترم دادگستری درخواستی در این خصوص ارائه نمود که ایشان با اعلام به محضر ریاست محترم وقت قوه قضائیه مجوز موردی در این خصوص صادر کردند؛ ولی متأسفانه از

عظیم و هلدینگ های معدنی بوده و اداره بخش زیادی از معادن بزرگ کشور را عهده دار هستند)، ده ها هزار متخصص معدن، مدیران تخصصی و کارگزاران بخش معدن از وجود قوانین مذکور مطلع نبوده و یا حداقل راهکار شایسته در صیانت از حقوق خود و بستر سازی امنیت در عرصه معدن را نداشته و تلاش کافی با تخصیص اعتبار در اجرائی شدن این امر را ندارند؛ یا اینکه حداقل بنده در این امر اطلاعات شایسته ندارم.

در بخش های نظارت چون نظام مهندسی معدن که یک مجموعه تخصصی و قانونی است و حتی خانه معدن ایران و استان ها به عنوان بزرگترین مجموعه حمایتی بخش خصوصی معدن تابه حال مجری راه اندازی مجموعه تخصصی حقوقی در این بخش نبوده اند؛ ولی می توان راهکار علمی و حقوقی در تدوین ماهنامه وزین حقوق معدن و حقوق معادن و تأسیس مؤسسه مشاوره و داوری معدن و صنایع معدنی صمتا با حمایت بخش های مشورتی حقوقی، قضایی و علمی از مجموعه معادن را به عنوان بهترین راهکار تلقی نمود؛ هر چند در ابتدای این راه سنگین هستیم؛ ولی این حرکت میمون راهگشای هزاران مشکل خواهد بود، ضمن اینکه در این ماهنامه وزین به صورت مسلسل وار در هر دوره نشر، سلسله مقالات حقوق با عنوان امنیت در معدن و صیانت از حقوق معدن کاران آورده خواهد شد؛ البته به لحاظ ضرورت امر صیانت از معدن در اولین مقاله به صورت اختصاصی به موضوع امنیت معدن و

با مدافعه در مجموعه قوانین کیفری اعم از شکلی، ماهوی، عمومی یا تخصصی و ملاحظه موازین حقوقی در رویه های محاکم و دکترین امر حقوق و مخصوصاً توجه به مدلول قانون معدن، اصلاحات انجام شده و آیین نامه اجرائی آن، گرچه به حقوق فردی یا اجتماعی شهروندان، ضرورت نظم دهی به امورات عمومی و یا ایجاد تناسب قانونی در رفتارهای ضروری یا عمومی مردم و صنوف، کارگزاران، کارمندان و غیره توجه شده است؛ ولی جمع بندی و تهیه مقالات حقوقی با استنتاج از قوانین موضوعه امکان ایجاد چارچوب تخصصی در حفظ حقوق معدن و معدن کاری که صدها کیلومتر دور از شهرها در دل بیابان و کوهها به حرفه سخت و طاقت فرسای معدن کاری مشغول هستند، نیست. تمامی مقالات تخصصی معدن که اینجانب در حد بضاعت خود مطالعه داشته ام و یا فرازهایی از کلیات قوانین کشوری که در فوق تشریح شده است، چارچوب کاملی از اهمیت امنیت در معدن و شغل معدن کاری و راهکارهای مشخصی از صیانت حقوق

معدن کاران ندارد، **در مجموعه نظام قضایی این**

کشور قضات عالی قدر که بالاترین و بهترین مرجع

تخصصی رسیدگی قضایی را عهده دار هستند؛ بعضاً

اشراف کافی بر چارچوب معدن، معدن کاری و یا

قوانین حاکم بر امور معدن را ندارند و بخش

حاکمیت دولتی بر معدن (که خود دارای مجموعه های

ساختارهای اجرائی، نحوه تخصیص شعب اطلاعاتی در دست نیست؛ ولی برای آموزش قضات برنامه‌ای ارائه گردیده است که در حال اجراست. ضرورت دارد جهت بهره‌گیری و با مدیریت خانه معدن ایران، موضوع آموزش قضات محترم تخصصی ویژه معدن به صورت آموزش کارگاهی، تحت مدیریت حوزه معاونت محترم آموزش انجام پذیرد که به همت جناب آقای دکتر الفت معاون محترم رئیس قوه قضاییه و پیگیری جناب آقای مهندس بهرامن مقدمات اجرای آن کلید خورده است و مطمئناً موارد بسیار کاربردی در ارائه متد آموزشی پیگیری خواهد شد، چنانچه قضات عالی‌قدر در این بخش به آموزش کافی برسند و به مجموعه قوانین معدن و صنایع معدنی و رویه‌های عملی حاکم بر این بخش به طور شایسته اشراف یابند، مطمئناً در رسیدگی‌های قضایی با اشراف و اطلاعات کافی به اجرای عدالت و صیانت از حقوق معدن کاران منجر خواهد شد.

اطلاع‌رسانی و نشر مقالات علمی در ماهنامه معدن و حقوق معدن به آگاه‌سازی معدن کاران به حقوق خود کمک خواهد نمود، همچنین در نظر داریم با انجام مصاحبه از حقوق دانان برجسته، قضات عالی‌رتبه و مدیران بخش معدن که با تجارب عالی نقش راهبردی در امور را داشته‌اند؛ مسیر را برای جامعه بزرگ معدنی هموار نماییم.

مقوله امنیت در معدن دارای شقوق متعدد و راهکارهای اجرایی گوناگون است؛ مقوله امنیت در سه بخش:

- (۱) امنیت عمومی
- (۲) امنیت قضائی
- (۳) امنیت خصوصی

با موضوع صیانت از حقوق معدن کاران قابل تعریف است که در بخش امنیت خصوصی قطعاً منظور

حراست و حفاظت از مجموعه فعال معدنی در تمامی بخش‌های عملیاتی، اکتشافی یا استخراجی، حفاظت از ماشین‌آلات، حراست از جان و مال کارگران و مدیران فعال است و در بخش امنیت عمومی وظایف دولت، قوای انتظامی و امنیتی در صیانت از معدن، محدوده‌های معدنی، صنایع و کارخانه‌های مربوطه است که بحث در خصوص موضوعات امنیت خصوصی یا امنیت عمومی و تعریف اینکه چه نهاد و یا افرادی وظایف قانونی در اجرای امنیت و بسترسازی قانونی آن را دارند، وظایف کارگزاران بخش معدنی بایستی چگونه باشد، قوانین حاکم در این بخش چه نقاط قوت و ضعفی دارند و در راستای تقویت نقاط قوت (توأم) با شناسایی نقاط ضعف) و حمایت از کارگزاران اقدامات علمی و میدانی و آموزشی را برنامه‌ریزی نمود که این تدابیر و اندیشه‌سازی‌ها در چارچوب امر خارج از این مقاله است و به‌طور قطع در مقالات دیگر پیگیری خواهد شد.





طاهره خارستانی

رئیس کمیته‌ی معدن، جامعه و مسئولیت اجتماعی

خانه معدن ایران

بررسی چالش‌های پیش روی مدیران در ایفای مسئولیت

اجتماعی سازمانی

این موضوع، مشارکت‌های اجتماعی و تصمیم‌گیری درباره‌ی همکاری با جامعه‌ی محلی را هم شامل می‌شود. در رویکرد دوم، سازمان به بررسی چالش‌های مهم و مشترک بشری در منطقه‌ی محل فعالیت خود می‌پردازد. این چالش‌ها و نیازها می‌توانند مواردی مانند کمبود آب، فقر گسترده، تخریب محیط‌زیست و غیره را شامل شوند. در شناسایی هدفمند این چالش‌ها علاوه بر کمک‌گرفتن از خبرگان محلی، می‌توان از چارچوب‌ها و اسناد مرجع مانند سند اهداف توسعه‌ی پایدار سازمان ملل و یا اسناد آمایش سرزمین در هر منطقه استفاده کرد. در کل، لازم است به این نکته اشاره کرد که اتخاذ هر یک از این دو رویکرد منافاتی با هم نداشته و حتی می‌توان هر دو را به‌طور هم‌زمان در پیش گرفت.

یکی دیگر از چالش‌ها و پرسش‌های مهم پیش‌روی مدیران و کارشناسان سازمان‌ها در مسیر مدیریت پایدار و مسئولانه‌ی سازمان این است که «از چه چارچوب، مدل یا ابزار راهنمایی می‌توان برای توسعه‌ی این رویکرد در سازمان بهره برد؟».

در یک دهه‌ی گذشته، اکثر مدل‌ها و ابزارهای مدیریتی مانند مدل تعالی سازمانی و یا استانداردهای ایزو، رویکردی نفع‌گرایانه و توجه‌متوازن به جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی را در ساختار و عناوین موضوعی خود

یکی از سوالات پرتکرار و مهم در میان مدیران سازمان‌ها این است که «به چه موضوعاتی در حوزه مسئولیت اجتماعی سازمانی بپردازیم و تا چه میزان به آن‌ها ورود کنیم؟» و یا اینکه «بر اساس چه مبنایی درخواست‌های ذی‌نفعان خود را در حوزه مسئولیت اجتماعی بررسی کرده و به آن‌ها پاسخ دهیم؟» در پاسخ به این پرسش‌های کلیدی، می‌توان به دو محور اصلی در ورود به رویکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمانی اشاره کرد: اولاً تعیین تأثیرات مستقیم و مرتبط با عملکرد سازمان در جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی و ثانیاً پرداختن به چالش‌ها و نیازهای مشترک بشری. در رویکرد اول، سازمان همراه با تحلیل‌های اقتصادی و فنی متعارف، به انجام ارزیابی‌های محیط‌زیستی و اجتماعی هم می‌پردازد.

در این مسیر لازم است که شناسایی و اولویت‌بندی

موضوعات مهم و کلیدی در هر یک از جنبه‌های

اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی با همکاری

ذی‌نفعان کلیدی صورت گیرد؛ در نتیجه، فهرستی از

مسائل دارای اولویت در جنبه‌های اصلی مدیریت پایدار

و مسئولانه‌ی سازمان با رویکرد ذی‌نفع‌گرایی به‌دست

می‌آید که می‌تواند در ترسیم خطوط اصلی تعامل و

همکاری با ذی‌نفعان کلیدی مورد استفاده قرار گیرد.

بی‌تردید، سازمان‌ها وام‌دار سرمایه‌های انسانی و اجتماعی هستند؛ شایسته و بایسته، این است که به‌منظور ادای دینی که برعهده‌ی ایشان است، مسئولانه تبعات مثبت و منفی فعالیت‌های خود را در جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی بپذیرند. سازمان‌ها تأثیراتی ماندگار بر جنبه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در جوامع دارند. بپذیریم که

سازمان‌ها نیز شهروندی حقوقی در جامعه‌ی خود

هستند! و بر آن باشیم که در عمل به حقوق

شهروندی، اخلاق‌مدار، جامع‌نگر و پاسخ‌گو باشیم.

حرکت در این مسیر در کشور ما با افت‌وخیزهای گوناگونی همراه بوده است؛ از ترویج و تکیه بر امور بشردوستانه و ارتقای خدمات عمومی در جامعه گرفته تا تمرکز بر طرح‌های توانمندساز و نوآورانه در توسعه اجتماعی. گاه این اقدامات مقطعی بوده و گاه با همت جمعی به برنامه‌هایی ماندگار و بلندمدت تبدیل می‌شوند. با نگاه به مجموعه‌ای از اقدامات و تلاش‌های صورت‌گرفته در عرصه‌ی مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمانی در کشور ما به خصوص در یک دهه اخیر، در این یادداشت به بررسی برخی از چالش‌ها و نیازهای کنونی در پرداختن به موضوع مسئولیت اجتماعی سازمانی می‌پردازیم.

لحاظ کرده‌اند. از طرف دیگر، مدل‌ها و استانداردهایی نیز مختص موضوعات مهم مطرح در حوزه مدیریت پایدار و مسئولانه‌ی سازمان توسعه‌یافته است؛ مانند استاندارد ISO26000، دستورالعمل راهنمای گزارش‌دهی GRI، استاندارد SA8000 و غیره.

در تصمیم‌گیری برای استفاده از این ابزارها باید به چند نکته‌ی کلیدی توجه کرد؛ اول، هریک از این ابزارها کاربرد مختص به خود را دارند؛ به‌عنوان نمونه

دستورالعمل راهنمای گزارش‌دهی GRI مختص

تدوین گزارش‌های عملکرد پایدار و مسئولیت

اجتماعی است و با استاندارد SA8000 به مسائل

کلیدی در ایفای مسئولیت‌های سازمانی مرتبط با

حقوق کارکنان و محیط کار پرداخته است. دوم،

استاندارد ISO26000 که در کشور ما با عنوان استاندارد مسئولیت اجتماعی و خیر جمعی توسط سازمان ملی استاندارد تدوین و منتشر شده است؛ یک استاندارد راهنما برای تعریف و استقرار رویکرد مدیریت پایدار و مسئولانه در سازمان‌ها است؛ در نتیجه، مانند استانداردهای ایزو مرتبط با سیستم‌های مدیریتی نبوده، استفاده از آن داوطلبانه است و هیچ‌گونه سازوکار ممیزی و اعطای گواهینامه برای آن وجود ندارد. سازمان‌ها برای

بهره‌مندی از این استاندارد لازم است که تیم‌های کاری موضوعی با حضور متخصصان مختلف تشکیل دهند و از ابزارهای تخصصی هر حوزه برای ارزیابی‌های مربوطه استفاده کنند؛ در نتیجه لازم است که از تقلیل این استاندارد به چک‌لیست‌های فهرست وار اجتناب شود.

در نهایت، می‌توان به «چالش‌ها و دغدغه‌های سازمان‌ها در ورود به حوزه مشارکت‌های اجتماعی و تعامل با جامعه‌ی محلی» اشاره کرد؛ باتوجه‌به اینکه عموماً درخواست‌های متعددی از طرف ذی‌نفعان جامعه برای دریافت مشارکت‌ها و حمایت‌های بخش خصوصی به سازمان‌ها ارائه می‌شود؛ تصمیم‌گیری درباره انتخاب درخواست‌ها و چگونگی همکاری در اجرایی‌شدن آن‌ها یکی از دغدغه‌های اصلی مدیران سازمان‌هاست. اول، سازمان از ورود به تمام موضوعات و درخواست‌ها از جامعه‌ی محلی اجتناب کرده و صرفاً مواردی را که در چارچوب مطالعات و ارزیابی‌های تعیین مسائل دارای اهمیت بدان رسیده است؛ در نظر بگیرد. دوم، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) می‌توانند به‌عنوان یک بازوی فکری و اجرایی در تعریف و انجام پروژه‌های مشارکت اجتماعی در کنار سازمان‌ها قرار بگیرند. بدین منظور می‌توان سابقه‌ی فعالیت این‌گونه سمن‌ها را از نظر موفقیت در انجام پروژه‌های قبلی، شفافیت عملکردی و پاسخگویی در برابر بودجه یتخصیص‌یافته

به اقدامات، بررسی و لحاظ کرد. سوم، در هر طرح یا پروژه، از ابتدا ذی‌نفعان اصلی مرتبط با آن شناسایی شده و برای حضور و همکاری دعوت شوند. با اتخاذ رویکرد مشارکت‌جویانه، تجمیع منابع تسهیل شده و تعهد ذی‌نفعان مختلف برای همکاری مؤثر، تداوم برنامه و دستیابی به تأثیرهای موردنظر افزایش می‌یابد. در آخر اینکه، برای هر طرح یا پروژه، یک برنامه اجرایی شامل فعالیت‌های اصلی، مسئولیت‌های طرفین، زمان‌بندی امور و میزان تخصیص منابع تدوین شود. بدین ترتیب پاسخگویی و شفافیت عملکردی در پروژه‌های مشارکت اجتماعی در تعامل با جامعه‌ی محلی افزایش می‌یابد.

در پایان، شایسته است به این مسئله اشاره شود که حرکت در مسیر مدیریت پایدار و مسئولانه سازمان، به‌مثابه‌ی یک سفر سازمانی یادگیرنده است. سازمان در این مسیر با ذی‌نفعان خود گفتگو و تعامل متفاوتی را تجربه می‌کند. نظرات، دیدگاه‌ها و اعتقادات مختلف دور یک میز و در کنار هم جمع شده، شنیده شده و گفتگو می‌کنند؛ تا به سطح بالغ‌تری از تعامل انسانی و سازمانی دست یابند. بی‌تردید، این مسیر و تجربه می‌تواند تداوم فعالیت مؤثر سازمان را هم‌زمان با پایداری حیات اجتماعی و زیستی در جامعه‌ی محل فعالیتش تضمین نماید.



مهندس سجاد غرقى

نایب رئیس کمیسیون صنعت و معدن اتاق تهران



معدن، مسئولیت پذیری اجتماعی و ذی نفعان محلی

بزرگ داشته باشد؛ بنابراین ابتکارات مسئولیت

اجتماعی را می توان به عنوان استراتژی هایی برای واکنش به تنش های محلی یا جلوگیری از درگیری های شرکت و جامعه در وهله اول درک کرد. شرکت های معدنی می توانند از این ابزارها و استراتژی ها مانند سرمایه گذاری های مربوط به توسعه مسئولیت اجتماعی از قبیل؛ سلامت، آموزش، تولید درآمد و فرهنگ استفاده کنند تا سطوح وابستگی جوامع به آن ها را در جایی که مخالفت با پروژه معدنی وجود دارد، افزایش دهند.

بنابراین می توان نتیجه گرفت که شرکت های معدنی مانند بسیاری دیگر از شرکت های بزرگ می توانند با حضور در «گفت و گو، مشارکت و مشورت» با جوامع محلی خود به منظور «همسایگان خوب» و «احترام به حقوق جوامع محلی» به جوامع محلی خود نزدیک شوند. مسئولیت اجتماعی در معدن توسط یک هدف روشن برای کسب مشروعیت، افزایش اعتبار و کسب مجوز اجتماعی برای فعالیت هدایت می شود تا معدن بتواند بدون چالش و در آرامش نسبی به فعالیت خود ادامه دهد.

می توانیم در ادبیات مدیریت ادعا کنیم که مسئولیت اجتماعی در معدن یک موقعیت برد - برد هم برای شرکت و هم برای جامعه است. در آخر می توان اضافه کرد تحقیقات تجربی من در جوامع معدنی نشان داده است که اقدامات مسئولیت اجتماعی شرکت منجر به تقسیم و کاهش تعارضات محلی در درجات قابل توجهی از مخالفت جمعی محلی با معدن می گردد. نمونه هایی از این سرمایه گذاری ها، سرمایه گذاری در کارآفرینی های اجتماعی به خصوص در حوزه زنان، آموزش و توانمندسازی کودکان محلی، زیرساخت های محلی و خدمات عمومی مانند ساخت کتابخانه، مراکز اجتماعی، امکان ادامه تحصیل و ارائه بورسیه تحصیلی، حمایت از اقدامات و نمایش های فرهنگی، ارائه وسیله نقلیه برای استفاده از امکانات شهری غیر قابل دسترس، کمک های مددکاری و حتی یادگیری بیشتر در مورد فرهنگ بومی خود است. کلام آخر این است که معدن کاری مسئولانه رویکردی روبه جلو و راهکاری برای تعامل سازنده با جوامع محلی است.

هستند همچنین در همسو کردن شیوه های خود مطابق با هنجارها و انتظارات اجتماعی در زمینه های روابط کارکنان، تأثیر بر محیط زیست، روابط زنجیره ای عرضه و غیره که قبلاً حوزه های اقتصادی و حقوقی محسوب می شدند تلاش می کنند. در مجموع مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکتی نشان می دهد که کسب و کارها موظف هستند در پیشرفت اجتماعی فراتر از معاملات اقتصادی شرکت، مشارکت کنند. مسئولیت پذیری اجتماعی شرکتی دارای سه بعد اصلی اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی است، در بحث معادن، توسعه محلی و حضور فعالانه مشارکتی در جوامع محلی در بعد اجتماعی جای دارد، از طرفی بحث معارضین محلی و جنبش های اعتراضی جوامع اطراف معادن یکی از مشکلات همیشگی و مهم در مسیر کارکردهای این صنعت است. این مسئله باعث گردیده مطالعات متعددی برای یافتن راه حل در باعث گردیده مطالعات متعددی برای یافتن راه حل در مواجهه با معارضین محلی صورت گیرد.

دش وود، لانژ و برخی از محققان، مسئولیت اجتماعی شرکتی را به عنوان منعکس کننده ظهور یک اجماع هنجاری در مورد مسئولیت بخش خصوصی برای کمک به توسعه پایدار و کاهش فقر می دانند، گروه دوم از محققان مانند بانکس و کالوانو آن را به عنوان یک تمرین روابط عمومی برای مقابله با نگرانی های روبه رشد شهرت یا نظارت حاکمیتی می دانند که منافع کمی برای جوامع محلی به همراه دارد. دیدگاه سوم یعنی محققانی مانند کمپ، بوتیلر و پرونو مسئولیت اجتماعی شرکتی در معدن را به عنوان یک ابزار مدیریت ریسک عملیاتی می داند که توسط شرکت های معدنی برای تسهیل فعالیت در جوامع محلی استفاده می شود؛ به این ترتیب، فعالیت های مسئولیت های اجتماعی را می توان نتیجه یک فرایند چانه زنی بین شرکت ها و جوامع در مورد حداقل امتیازاتی دانست که احتمالاً رضایت و صلح محلی را «خرید» می کنند.

شرکت های معدنی علاقه زیادی به برقراری روابط

صلح آمیز با جوامع محلی دارند؛ زیرا همان طور که

اشاره شد درگیری ها در اطراف محدوده های معدنی

می تواند عواقب پرهزینه ای برای سرمایه گذاری های

توسعه اقتصادی و صنعتی امری اجتناب ناپذیر در تمامی جوامع است. به طور معمول این مسیر در مواجهه با جوامع در سطح کلان با آثار مثبت و منفی مورد توجه قرار می گیرد. صنعت معدن کاری به اقتصادهای منطقه ای و ملی از نظر تأمین بودجه و درآمدهای صادراتی، اشتغال و توسعه زیرساخت کمک می کند؛ اما آشکارا نیز مسئول ایجاد اثرات منفی زیست محیطی و اجتماعی مانند اختلال در جریان رودخانه ها، تخریب منابع زمین، جنگل و اختلال در سبک زندگی سنتی مردم بومی هستند. در ایران با توجه به غنی بودن معدن، بخشی از توسعه کشور و حتی صادرات، متکی بر بخش معدن شده است؛ با توجه به شدت و تنوع اثرات ناشی از معدن و طیف وسیعی از انتظارات ذی نفعان مربوط به استخراج مواد معدنی، صنعت معدن کاری نمونه جالبی برای مطالعه روابط تجاری و جامعه است.

شرکت های معدنی اکنون با چالش هایی برای بهبود

عملکرد زیست محیطی و اجتماعی خود برای اطمینان

از یکپارچگی مفهوم توسعه پایدار و انجام

مسئولیت های سازمانی و زیست محیطی خود در

واکنش به فشار فزاینده جوامع محلی، دولت های ملی،

مصرف کنندگان، کارکنان و عموم مردم مواجه هستند.

در نتیجه ای این مشکلات، جریان های اجتماعی و همچنین نظریه های اخلاقی کسب و کارها برای در نتیجه ای این مشکلات، جریان های اجتماعی و همچنین نظریه های اخلاقی کسب و کارها برای پاسخگویی به جوامع، فعالیت هایی تحت عنوان مسئولیت اجتماعی شرکتی رایج شده است. این امر در کشورهای توسعه یافته از استانداردهای پیشرفته برخوردار شده و از سوی دولت ها نیز پیگیری می گردد و بخشی از هویت و نام و نشان (برند) شرکت ها نیز به آن وابسته است. در کشور ایران نیز در سال های گذشته شاهد مدل های سنتی مسئولیت اجتماعی در میان صاحبان صنایع بوده ایم که در دهه های اخیر در حال تلاش برای افزایش ورودی مثبت خود به جامعه از طریق مشارکت داوطلبانه در آموزش، بهداشت، خدمات اجتماعی، هنر و فرهنگ



مهندس آیدین زینال زاده

عضو کمیته گردشگری معدنی خانه معدن ایران

پیشگیری از ممانعت‌های محلی نیازمند تعریف چهارچوب اجرایی

موافقت‌های دولت برای دسترسی به منابع طبیعی و تضمین این موضوع مسیر ساده‌تری را خواهند پیمود.

در حال حاضر به رسمیت شناختن حقوق بومیان و بحث درباره‌ی شرایطی که توسعه‌ی مواد معدنی در سرزمین آن‌ها ایجاد می‌کند در کشورهای مختلف جهان در حال افزایش است. در برخی موارد این کار به یک حق قانونی مجاز برای اعطای رضایت یا عدم رضایت بومیان تبدیل شده است. معدن کارانی که اعتبار ضعیف یا تجربه کمتری برای برخورد با مردم بومی دارند به احتمال زیاد دچار عقب‌ماندگی و رویارویی با مشکلات در مذاکره با آن‌ها و همچنین نهایی شدن موافقت‌نامه‌ها از جمله مجوز اجتماعی معدن کاری می‌شوند.

چنان‌که موارد متعدد پیش آمده بیانگر این است که

معدن کارانی که به حقوق و منافع بومیان احترام

نمی‌گذارند بیشتر درگیر اختلافات محلی و

منطقه‌ای می‌شوند. این مسئله علاوه بر آزار و

اذیت‌ها می‌تواند منجر به آسیب دیدن شهرت

معدن کاران در سطوح ملی و بین‌المللی و همچنین

خسارت‌های مالی مستقیم و غیرمستقیم

چشم‌گیری شود.

چهارچوب مشخصی نیز خلق نشده است تا با استفاده از آن بتوانیم بر چالش‌های محلی غلبه کنیم و نقاط ضعف را به نقاط قوت و تهدیدها را به فرصت تبدیل کنیم.

از طرفی تجربیات معدن کارانی که قادر بوده‌اند در جامعه‌ی میزبان با موفقیت معدن کاری کنند حاکی از این مسئله است که معدن کارانی که در مقابل روابط احترام‌آمیز و سازنده با بومیان سرزمین‌هایی که معدن کاری در نزدیکی آن‌ها به اجرا درمی‌آیند، احساس مسئولیت می‌کنند، نیاز دارند تا در زمان اجرایی‌شدن عملیات معدنی حقوق و منافع مردم بومی را با احترام حفظ کنند و جوامع آسیب‌دیده از انجام عملیات معدنی را از حقوق خود بهره‌مند نمایند.

در عین حال که اذعان و احترام به حقوق و منافع

مردم و جوامع محلی باید به عنوان اولین وظیفه‌ی

مسئولیت اخلاقی تلقی شود، دلایل قدرتمند تجاری

نیز وجود دارد که معدن کاران را مجاب کند تا برای

انجام کارهای مفید و مؤثر در این زمینه اقدام

نمایند.

آن دسته از معدن کارانی که به مردم بومی و حقوق آن‌ها احترام می‌گذارند و به دنبال تحویل نتایج مثبت توسعه هستند، در توافق با بومیان و

معدن کاران در تمام دنیا معمولاً با «معارضینی» مواجه می‌شوند که در محل «زندگی» می‌کنند و باید با گذشت زمان درک خود را از حساسیت‌های موجود بالا برده و به بهترین نحو مدیریت و تعادل نیازهای اقتصادی خود را با ملاحظات زیست‌محیطی و سنت‌های فرهنگی مردم مناطقی که در آن فعالیت می‌کنند گسترش دهند.

معدن کاران برای دستیابی به ثبات ابتدا باید ارتباط مؤثری را با مناطقی که در آن کار می‌کنند برقرار کنند تا بتوانند مسائل و چالش‌ها را با توجه به آگاهی صحیح از منطقه و مردم آن، در قالب احترام به گفت‌وگو بگذارند. فقط با گذر از این مرحله است که سرمایه‌گذاران و فعالان معدنی می‌توانند نیازها و چشم‌انداز فرهنگی، زیست‌محیطی و اقتصادی را به تعادل برسانند.

واضح است که به دلیل تنوع شرایط مردم بومی، برقراری و ایجاد روابط با آن‌ها نمی‌تواند یک رویکرد واحد داشته باشد. ابزارهای اجتماعی صرفاً برای ایجاد روابط خوب بین معدن کار و جامعه‌ی محلی نیستند، بلکه وسیله‌هایی برای کمک به معدن کاران در ایجاد یا بهبود روند ایجاد رابطه با شیوه‌ای محترمانه و مثبت هستند.

به نظر می‌رسد در کشور ما ابزار یا چهارچوبی برای غلبه بر چالش‌های اجتماعی وجود ندارد؛ زیرا مطالعه رسمی در این خصوص وجود ندارد و

۲- آماده کردن زمینه:

تمرکز بر مراحل اولیه‌ی برقراری ارتباط و اطلاعات موردنیاز معدن کاران برای تسهیل تعامل و ایجاد رویکرد مناسب برای مقابله با تأثیر واقعی و پیش‌بینی شده‌ی یک پروژه‌ی معدنی و نحوه‌ی تأثیر هرگونه اثرات منفی احتمالی.

۳- توافق‌نامه‌ها:

در این بخش باید مشخص شود که چگونه معدن کاران و جوامع محلی می‌توانند توافق‌نامه‌های رسمی را برای برقراری یک ارتباط مؤثر منعقد کنند؛ از جمله، توافق‌نامه‌های اولیه که می‌تواند زیربنای پله‌های ایجاد توافق‌نامه‌ی بلندمدت باشد و ممکن است دربرگیرنده‌ی تمام مراحل معدن کاری باشد.

۴- مدیریت اثرات و به اشتراک گذاری مزایا:

شامل برخی از جنبه‌های عملی مدیریت مؤثر پروژه‌های معدنی از جمله حفظ سایت‌ها و سنت‌های فرهنگی محلی، به اشتراک گذاشتن منافع ناشی از معدن کاری و ایجاد فرصت‌هایی برای توسعه‌ی اقتصادی جامعه‌ی محلی می‌شود.

۵- برخورد با شکایات:

راهبردها و سازوکارهایی برای رسیدگی به مسائل مربوط به جامعه و نگرانی‌ها در ارتباط با پروژه‌های معدنی.

شورای بین‌المللی معدن کاری و فلزات (ICMM) در پی مشاوره و مشارکت گسترده‌ی مشارکت‌کنندگان

چالش‌های منحصر به فرد و گاهی اوقات «فرصت‌های منحصر به فرد» برای معدن کاران ایجاد کند که باید آن‌ها را احساس و درک کرد. ثالثاً مردم محلی اغلب دارای ویژگی‌های فرهنگی، ساختارهای حکومتی و روش‌های سنتی تعامل و تصمیم‌گیری هستند که آن‌ها را از جمعیت غیربومی متمایز می‌کند و معدن کاران نیاز دارند که از شیوه‌هایی از تعامل استفاده کنند که به این ویژگی‌ها حساس باشند. رابعاً مردم بومی به‌لحاظ تاریخی در سرزمین خود دچار محرومیت و تبعیض‌های محسوس یا غیرمحسوس شده‌اند که نسبت به بخش‌های دیگر جامعه‌ی ملی محروم‌تر حساب می‌شوند و آن‌ها به‌احتمال زیاد در برابر اثرات منفی تحولات، آسیب‌پذیر هستند؛ خصوصاً آن دسته از جوامعی که فعالیت‌های معدنی تأثیر معکوسی بر روی فرهنگ و منابع طبیعی آن‌ها دارد. پرداختن به این مسائل نیازمند توجه ویژه به منافع و حقوق گروه‌های بومی در تمام مراحل چرخه‌ی یک پروژه‌ی معدنی است. از لحاظ ساختاری، چهارچوب یا راهنمای تعامل معدن کار و مردم محلی باید موارد زیر را پوشش دهد:

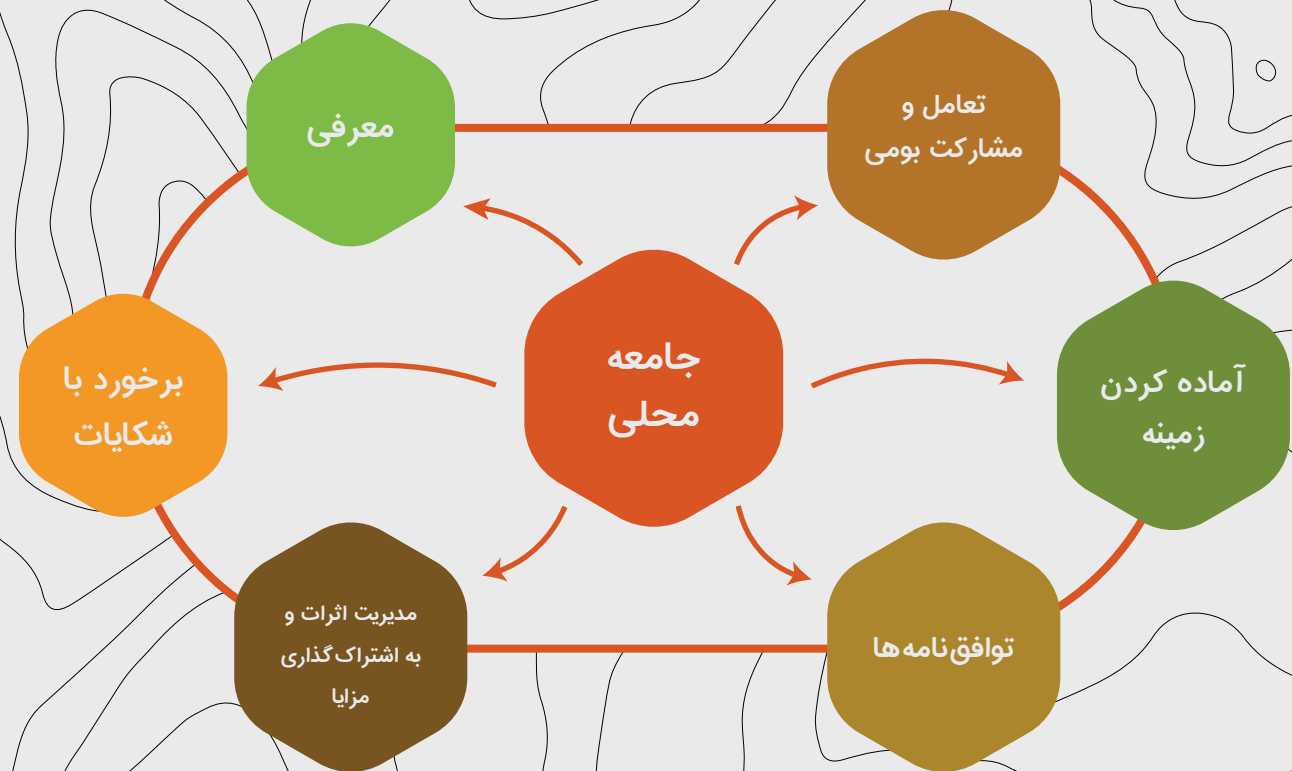
۱- تعامل و مشارکت بومی:

تعامل بین مردم بومی و معدن کار با توجه به موضوعاتی از قبیل مشارکت مردم محلی در فرایند تصمیم‌گیری و توصیه‌های ویژه برای تعامل مؤثر و عملی با بومیان که برخی از چالش‌های کلیدی تعامل مؤثر را برجسته کرده است.

در مقابل، در صورت نشان دادن توانایی کنترل، مزایای قابل توجهی برای فعالان این حوزه در منطقه‌ی عملیاتی‌شان وجود دارد؛ این مزایا شامل بهبود روابط با دولت‌ها و سازمان‌های ملی و بین‌المللی و تعامل سازنده‌تر با گروه‌ها و جوامع محلی است.

از بسیاری جهات، آنچه که به منزله‌ی عملکرد خوب معدن کاران در رابطه با مردم بومی محسوب می‌شود، برای مردم غیربومی نیز همان نتیجه را دارد. صرف‌نظر از محل معدن کاری، هدف معدن کاران مسئول، پیشگیری از اثرات منفی بر جوامع و به‌جای گذاشتن آثار و میراث مثبت است. اصل اساسی، همکاری خوب در همه سطوح است و روش‌های زیادی برای شناسایی و تحقق فرصت‌های توسعه‌ی روابط با مردم بومی و غیربومی به کار گرفته خواهد شد؛ با این وجود، عناصر رایج، دلایل قانع‌کننده‌ی برای تدوین راهنماهای اجرایی و کاربردی دارند که به‌طور خاص بر روی مردم بومی و معدن متمرکز شده‌اند.

اولاً امروزه این موضوع که مردم بومی دارای حقوق و منافع متمایز و سطح انتظارات در حال رشد هستند و توسط معدن کاران مسئول، محترم شمرده می‌شوند، در سطح بین‌المللی در حال گسترش است. ثانیاً به‌صورت قانونی یا به شیوه‌های سنتی یا ترکیبی از هر دو، مردم بومی اغلب رابطه‌ای خاص با زمین، سرزمین و منابع موجود در آن‌ها دارند که می‌تواند تعهدات خاص و نیز طیف وسیعی از



در طول چند سال «بیانیه‌ی موضعی» را منتشر کرده که شامل چندین بیانیه‌ی کلیدی است که اذعان به ضرورت اخلاقی توجه ویژه به نیازها و منافع مردم محلی دارند.

در این بیانیه ۹ اقدام معرفی شده که مشارکت‌کنندگان را به رعایت این تعهدات دعوت نموده است؛ این تعهدات عبارت‌اند از:

۱- پذیرش و احترام به منافع اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و فرهنگی بومیان و حقوق آن‌ها در چهارچوب ضوابط و عناصر تعریف‌شده در قوانین استانی، ملی و بین‌المللی.

۲- شناسایی دقیق و درک کامل منافع و دیدگاه‌های مردم محلی در مورد یک پروژه‌ی معدنی و اثرات بالقوه‌ی آن: ارزیابی اثرات اجتماعی یا سایر تحلیل‌های اجتماعی برای پروژه‌های معدنی که ممکن است بر مردم بومی تأثیر بگذارد، دیدگاه‌های خاص آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد و باید بر اساس مشورت با آن‌ها باشد.

۳- مشارکت و درگیر کردن به‌موقع، منصفانه و فرهنگی بومیان و مردم محلی در طول پروژه: مشارکت بر اساس اطلاعات صادقانه، شفاف و به شیوه‌ای است که در دسترس مردم محلی باشد. تعامل در اولین مرحله‌ی ممکن از فعالیت‌های معدنی (پیش از بررسی‌های زمین‌شناسی) آغاز می‌شود و هر جا که امکان‌پذیر باشد از طریق مقامات سنتی جوامع و با احترام به ساختارها و فرایندهای تصمیم‌گیری سنتی انجام می‌شود.

۴- ایجاد درک متقابل فرهنگی: برای فعالان معدنی به‌صورت درک فرهنگ، ارزش‌ها و آرمان‌های

بومیان و برای مردم محلی به شکل درک اصول، اهداف، عملیات و فعالیت‌هاست.

۵- تشویق دولت‌ها به حل‌وفصل مسائل و مشکلات مربوط به نقاط جمعیتی مجاور فعالیت‌های معدنی.

۶- پروژه‌های طراحی‌شده برای پیشگیری از آثار مخرب معدنی و فعالیت‌های مرتبط با آن به‌طور بالقوه و اگر مقدور نباشد، به حداقل رساندن، مدیریت و یا جبران مناسب این اثرات: از میان تمام موارد، به‌طور مثال، ممکن است که لازم باشد تدابیر ویژه‌ای برای حفاظت از اموال فرهنگی یا سایت‌هایی که از لحاظ مذهبی برای مردم بومی اهمیت دارند به‌کارگرفته شود.

۷- ایجاد منافع خاص و خالص (اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و فرهنگی) برای جوامع تحت‌تأثیر معدنی‌کاری در کنار سایر توافقاتی که مزایا و فرصت‌هایی بیش از اثرات منفی فعالیت‌های معدنی به ارمغان بیاورند: توجه خاص به کاربری اراضی و منابع طبیعی در مواردی که ممکن است عنوان رسمی وجود نداشته باشد یا جاهایی که ادعاها حل‌نشده باشد الزامی است.

۸- حمایت از چهارچوبی مناسب برای تسهیل، میانجیگری و حل اختلاف: فعالان معدنی می‌توانند به تسهیل ظرفیت‌سازی‌های اساسی برای سازمان‌های بومی مجاور عملیات معدنی خود کمک کنند. به‌طور کلی، مردم بومی و همچنین جوامع محلی باید بتوانند از طریق یک راه روشن با مدیران معدن در تماس باشند و در صورت شکایت از عملیات معدنی فرایندهای شفاف‌تری در

اختیار داشته باشند که از طریق آنها به دنبال رفع نگرانی‌های خود باشند.

۹- از طریق تمام اقدامات گفته‌شده، به‌دنبال حمایت وسیع جامعه از پروژه‌ها یا فعالیت‌های جدید باشید: معدن‌کاران متوجه شده‌اند که گاهی اوقات پس از مشورت با مردم محلی و مقامات مربوطه، نمی‌توانند اقدامات توسعه‌ای یا اکتشافات جدید را حتی اگر قانونی باشند، انجام دهند؛ لذا باید به دنبال راه‌کاری پایدار برای انجام اقدامات توسعه‌ای با جلب رضایت جوامع محلی باشند.

برای ایجاد راهکارهای پایدار بر خورد‌های تعاملی مکتشفین و معدن‌کاران با مردم محلی در ایران لازم است پیش‌نیازهایی فراهم شود تا این کار به صورت سیستماتیک، قابل کنترل و منتهی به نتایج مثبت انجام شود؛ به‌طور کلی، یک مرجع مستقل و رسمی برای حل‌وفصل ممانعت‌های محلی در برابر فعالیت‌های معدنی ایجاد شود سپس متخصصان معدنی، حقوقی و جامعه‌شناسی با کمک معدن‌کارانی که تجربیات موفق و ناموفق در زمینه مشکلات محلی دارند، به مستندسازی و تحقیق اتفاقات رخ داده بپردازند. به‌طور موازی، یک بانک اطلاعاتی از اقداماتی که معدن‌کاران در سراسر کشور در زمینه مسئولیت‌های اجتماعی و به‌طور کلی ارائه هرگونه خدمات به مردم، سازمان‌های مردم‌نهاد و ارگان‌های دولتی محلی ارائه داده‌اند، تشکیل شود تا به نقطه ابتدایی مسیر طراحی سازوکار یا چهارچوب اجرایی «پیشگیری و رفع اختلافات و منازعات محلی با فعالیت‌های معدنی» برسیم.



رئیس کمیته معدن، جامعه و مسئولیت
اجتماعی خانه معدن ایران

خانم خارستانی



نایب رئیس کمیسیون صنعت و
معدن اتاق تهران

مهندس غرقی



مشاور و متخصص توسعه اجتماعی
و توانمندسازی جوامع محلی

دکتر پورشاد



سردبیر ماهنامه معدن و حقوق معدن

دکتر دریانی



میزگرد

رئیس هیات مدیره موسسه صحتا

مهندس بهرامن



رئیس مرکز بین‌المللی مدیریت
جامع حوزه آبخیز و منابع زیستی

دکتر جزی



تخصصی

دبیر و مدیر اجرایی خانه معدن ایران

دکتر رکنی



مشاور عالی کمیسیون مسئولیت اجتماعی و حاکمیت شرکتی اتاق ایران

دکتر گراوند





بررسی چالش‌های موجود در مشارکت اجتماعی معدن کاران و

تعاملات با ذی‌نفعان کلیدی عرصه توسعه جوامع محلی

سومین میزگرد حقوقی، تخصصی ماهنامه معدن و حقوق معدان با هدف بررسی چالش‌های موجود در تعامل میان معدن کاران با جامعه پیرامونی و ذی‌نفعان کلیدی در توسعه اجتماعی جوامع محلی، با دعوت از متخصصان و فعالان حوزه‌ی معدن، مسئولیت اجتماعی سازمانی و جامعه‌شناسی در روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۰۹، ساعت ۹:۳۰ الی ۱۱:۳۰ در محل مؤسسه مشاوره و داوری معدن و صنایع معدنی صمتا، برگزار گردید.

خارستانی:

میزگرد امروز با هدف بررسی چالش‌های موجود در تعامل میان معدن کاران با جامعه پیرامونی و ذی‌نفعان کلیدی در توسعه اجتماعی جوامع محلی، با دعوت از متخصصان و فعالان حوزه معدن، مسئولیت اجتماعی سازمانی و جامعه‌شناسی برگزار می‌گردد. از قبول دعوت شما بزرگواران تشکر می‌کنم و امیدوارم که این گفتگو بتواند به‌روشنی دغدغه‌های موجود در این حوزه را ترسیم کرده و راهکارهایی مؤثر را برای پرداختن به آن‌ها ارائه نماید. در ابتدا به معرفی مختصر مهمانان گرامی می‌پردازم:

جناب آقای مهندس محمدرضا بهرامن (مدیرمسئول ماهنامه معدن و حقوق معدن)، سرکار خانم دکتر سحر رکنی (عضو شورای سیاست‌گذاری ماهنامه معدن و حقوق معدن)، جناب آقای دکتر اردشیر گراوند (مشاور عالی کمیسیون مسئولیت اجتماعی و حاکمیت شرکتی اتاق ایران)، جناب آقای مهندس سجاد غرقی (نایب‌رئیس کمیسیون صنعت و معدن اتاق تهران)، سرکار خانم دکتر مهدیه پورشاد (مشاور و متخصص توسعه اجتماعی و

توانمندسازی جوامع محلی)، جناب آقای دکتر هوشنگ جزی (رئیس مرکز بین‌المللی مدیریت جامع حوزه آبخیز و منابع زیستی (تحت نظارت یونسکو)).

بنده هم طاهره خارستانی، رئیس کمیته معدن، جامعه و مسئولیت اجتماعی خانه معدن ایران و متخصص در حوزه مسئولیت اجتماعی سازمانی هستم.

دکتر رکنی:

مهندس غرقی یکی از مدیران معدنی هستند که به‌عنوان یکی از اعضای خوب خانه معدن ایران در عرصه فعالیت‌های اجتماعی خیلی خوب عمل می‌کنند. ایشان خودشان تقاضا داشتند نماینده‌ای را برای حضور در جلسات ماهانه کمیته داشته باشند و آقای مهندس بهرامن هم این پیشنهاد را دادند که ایشان حتماً در این نشست با رویکرد مسئولیت‌های اجتماعی با نگاه جامعه‌شناسی حضور داشته باشند تا بتوانیم از نقطه‌نظرات و تجارب ایشان بهره ببریم.

برپای میزگردها در صمتا، به معنای فرصتی بزرگ برای بحث و تبادل نظر در مورد مسائل حد، پیچیده و جاری در بخش معدن، تبادل تجربه و

ابتکارات خلاقانه است، ملاقات با افراد همفکر که به دنبال یافتن تصمیم مشترک در مورد یک موضوع خاص در قالب یک موضوع معین هستند. در یک رأس نشست‌هایی که در قالب میزگرد برای ماهنامه معدن و حقوق معدان انجام می‌دهیم متخصصین ما، رأس دیگر آن مسئولین مؤسسه مشاوره و داوری معدن و صنایع معدنی صمتا و رأس سوم آن کسانی هستند که در این حوزه‌ها دارای چالش هستند. این نشست‌ها به ما فرصت می‌دهد که از سه زاویه متفاوت، قضایا را بررسی و تبادل نظر نماییم.

مهندس بهرامن:

به دوستان حاضر در جمع خوش آمد می‌گویم، این میزگرد مهم است؛ چون حتماً نتایجی را در برخواهد داشت که مسیر را برای ما باز می‌کند و مخاطبین ما را که عمدتاً دستگاه‌ها هستند با مسائل و مبانی‌ها آشنا می‌کند؛ به‌خصوص قوه قضاییه که خیلی تأکید دارند از نتیجه‌ی این نشست مطلع شوند. یکی از نگرانی‌ها این است که قضات کشورمان با بخش معدن آشنایی ندارند و ممکن است درک مسئولیت‌های اجتماعی برای آن‌ها ضعیف باشد و برای ما این مسئله مهم است

که تصمیمات گرفته شده به نفع ذی نفعان باشد. هر جا که فعالیت معدنی باشد مسئولیت اجتماعی هم با آن درگیر است، مردم فقط درآمد شما را از جایی که برداشت می شود، می بینند؛ ولی عملکردتان را نمی بینند و این می تواند آثار نامطلوبی داشته باشد.

متأسفانه، متولی بخش معدن که دولت است به موضوع مسئولیت اجتماعی اهمیت چندانی نمی دهد؛ ولی قانون راه را برای ما هموار کرده است.

تبصره ۵ ماده ۱۴ قانون معادن اجازه می دهد که ما

یکسری اقداماتی را در این مورد داشته باشیم.

عمدتاً برداشت دولت از مسئولیت اجتماعی،

محیط زیست است؛ ولی این طور نیست. درست است

که یک بخش از محیط زیست فعالیت های اجتماعی

است؛ ولی سایر بخش ها هم در آن دیده شده

در اصلاحیه قانون معادن من دخیل بودم، در آن زمان ما این را مطرح کردیم که ۲۰ درصد از حقوق دولتی در این مورد هزینه شود؛ یعنی ما فعالیت های اجتماعی را انجام دهیم تا ۲۰ درصد از حقوق دولتی کسر شود.

در صمتا به بعضی از موارد تکیه کردیم که کار نسبتاً سختی است؛ ولی نگرش ما این است که در این خصوص زمینه سازی کنیم و بتوانیم بستری را برای ترویج این فرهنگ در جامعه آماده کنیم و این آشنایی را به مسئولین بدهیم تا بتوانیم مطالبه گری مان را بالا ببریم.

خارستانی:

امیدوارم بتوانیم مسائلی را که در تعاملات بین صنف کارفرمایان معدنی با جامعه معدنی شکل گرفته است، بررسی کنیم. ما باید از چند جنبه، این

موضوع را تحلیل کنیم تا اطلاعات یکپارچه ای را به مخاطبان بدهیم. شرایط فعلی اجتماعی ریشه در روند ۲۰-۱۰ ساله ای که حاکم بوده است دارد، باید بررسی شود که تغییرات اجتماعی که در این مدت در کشور شکل گرفته است چه تأثیری بر نوع انتظارات و مطالباتی که جامعه محلی از جامعه صنعت و معدن دارند گذاشته است؟ نگاه غالب و یا رویکردی که در مدیریت کارفرمایی در حوزه صنعت و معدن وجود دارد چطور این تعاملات را با ذی نفعان جامعه پیرامونی تحت تأثیر قرار داده و یا رنگ و بویی از آن را شکل داده است؟ بدون اینکه بدانند اصلاً چه مزیتی دارد و یا سایر ذی نفعان چه نقشی دارند؟ آیا رویکرد ما ایجاد یکپارچگی و تعامل مؤثر است؟ آیا عارضه هایی هم در نوع ورود فعالیت آن ها به مسائل است؟ که حتی ممکن است به این موضوع آسیب زده باشد. از اساتید محترم دعوت می کنم که در حوزه تخصصی شان در خدمتشان باشیم. آقای دکتر گراوند به دلیل اینکه در مسائل توسعه اجتماعی و بسترهای موجود اشراف کامل دارید به نظر شما با توجه به شرایط فعلی که در جامعه محلی وجود دارد این بخش از جامعه چه تغییراتی را در ارتباط با صنعت گذاشته اند؟ تأکیدم بر این موضوع است؛ چون صنعت معدن یکی از صناعی است که خارج از فضای متعارف توسعه تمدن شهری هنوز هم در ارتباط مستقیم با جامعه محلی روستاها و شاید در بهترین حالت کسانی که در شهرهای کوچک و در اطراف مناطق اکتشافی معادن هستند در ارتباط است.

دکتر گراوند:

بنده ۲۶ سال است که کار مطالعاتی انجام می دهم و صحبتم را با گفتن یکی از تجربیاتم آغاز می کنم. سال ۷۷ به روستایی در لاوان رفتم، در آنجا

پالایشگاه بزرگی ساخته بودند و شخصی هم مدیر پالایشگاه بود، روستاییان آن منطقه حتی در تأمین آب آشامیدنی هم با مشکل مواجه بودند، سال ها از این قضیه گذشت و من در سال ۸۵ به روستای امام حسن (ع) در بوشهر رفتم (اولین جایی که نفت از دریا به ساحل آمده است) متوجه شدم که همان شخصی که مدیر پالایشگاه لاوان بود، رئیس این پالایشگاه شده است و محلی های آن منطقه؛ باوجود اینکه برایشان خدمات درمانی، پرواز، خوراک و غیره را تأمین شده بود با مدیران پالایشگاه زدوخورد کرده بودند. یکی از اشتباهات و غفلت های همیشگی ما در این مدت این است که فکر می کنیم همه چیز را می دانیم و چون در جامعه زندگی می کنیم؛ پس مطالعات اجتماعی هم داریم؛ دلیل اصلی مشکلات به وجود آمده برای ایشان هم همین مسئله بود؛ چون تفکر یک مدیر با مدیرتش منتقل می شود.

اگر قرار باشد ما صحبت کنیم و گوش ندهند اصولاً سودی ندارد؛ با اینکه می دانند چه کاری باید انجام بدهند و بارها و بارها با آن ها صحبت شده است؛ ولی اقدام مفیدی انجام نمی دهند.

در همه صنایع پتروشیمی، گاز، نفت و معدن و غیره بایستی مطالعات بنیادی در خصوص فهم اجتماعی انجام شود و برنامه ای تهیه شود که وارد سازوکار مطالعات قانونی آن کشور شود؛ چون اگر پولی هزینه شود؛ ولی با مشارکت دستگاه های اجرایی نباشد حتی به عنوان کمک و در تفصیل شهری و قانونی نیامده باشد سرمایه به هدر می رود، سرمایه باید در جای درست خرج شود (اگر برای امام جمعه، فرماندار و رئیس بهزیستی و امثالهم خرج شود، نتیجه ای ندارد). در کشور ما یک مسئله وجود دارد که همه فکر می کنند؛ چون مسئولیت دارند باید کاری انجام دهند، خیلی مواقع بهتر است کاری نکنیم، یک آفت به نام سیستم پیمانکاری هم



داشته باشیم هیچ وقت این قضایا پیش نمی آید.

خارستانی:

آقای مهندس بهرامن خیلی زیبا دریچه جدیدی را در خصوص نحوه دیده شدن یکپارچه پایداری زیست انسانی و زیست طبیعی باز کردند. دعوت می کنم از آقای دکتر جزی با تجربه های ارزشمندشان در این زمینه، آقای دکتر ما چطور می توانیم به صورت یکپارچه در تعامل با جوامع حیات انسانی و حیات طبیعی حرکت کنیم؟ قطعاً این صنعت یکسری تخریبها را در ذات خود دارد که به عنوان بخشی از فعالیت کارفرما است. این قضیه چه تأییراتی در اکوسیستم بیرونی دارد؟ چطور باید دیده شود؟ و چطور می شود در این حوزه به یکسری تعدیلها ورود کرد؟

دکتر جزی:

خانه معدن همه مسائل را به درستی بیان کردند و می دانند که مردم چه مطالباتی دارند و محیط زیست هم در حال تخریب است. سؤال این است که دنبال چه چیزی هستند و در حال حاضر چه کاری دارند انجام می دهند؟

خارستانی:

شما برداشت خودتان را برای همگرایی و شناخت متقابل از دید ذی نفع بیرونی بفرمایید؟ دلیل وجود کلمه معارض چیست؟

دکتر جزی:

در بحث معدن با سه موضوع شناسایی، اکتشاف و بهره برداری مواجه هستیم. در اکتشاف به دنبال این هستیم که از برداشتها چقدر سود به دست می آید و چند سال می توانیم برداشت کنیم، در آخر اگر بعد از اکتشاف محدوده دارای ذخایر خوبی نبود معدن را رها می کنیم؛ به عنوان مثال در یزد محدوده هایی

نگاه مدیریت کلان این است که بدون توجه ریشه ای

به این مسئله فشار را روی فعالان اقتصادی زیاد

کنند؛ به همین علت فعالان هم ناچار می شوند بدون

هیچ گونه نگاه جامعه شناسی کمک کنند که در نهایت

آسایش به خودمان می رسد (نمونه ی بارز آن

هرمز)؛ پس اگر ناآرامی ایجاد شود دلیل اصلی آن

مدیریت کلان است؛ ولی در بخش معدن طبق

تبصره ۵ اصلاحیه قانون معادن بهره برداران معادن

که در جهت بهره برداری بهینه، صیانت از ذخایر

معدنی، ارتقا بهره وری، تحقیق و توسعه، اکتشاف و

حفظ محیط زیست در معدن مربوط اقدام نمایند، با

تأیید شورای عالی معادن از پرداخت حداکثر تا

۲۰ درصد حقوق دولتی معاف هستند، در اینجا

تکلیف مشخص شده است.

تحقیق و توسعه ی ذکر شده در این تبصره فقط مربوط به علم نیست؛ بلکه به محیط اجتماعی هم ارتباط دارد؛ به عنوان مثال امام جمعه، فرماندار و سایرین هم باید از این تبصره استفاده کنند که باعث تشویق بیشتر فعال اقتصادی شود. ما کارآفرین هستیم؛ ولی همیشه از جانب منابع طبیعی و محیط زیست محکوم می شویم؛ چون فقط تخریب را می بینند. اگر ما به جامعه اشراف کامل

داریم؛ به عنوان مثال تمامی پیمانکاران برای مدیریت جاده ای که در شهرستان دورافتاده ای احداث می کنند حتماً یک دفتر در تهران راه اندازی می کنند و این بلایی است که به آن دچار شده ایم که باعث می شود همه داراییها انتگرال گیری شود و به تهران منتقل شود؛ در نتیجه جامعه محلی (جایی که پروژه در حال اجرا است) در فقر فرومی رود. در نتیجه کسی که درک اجتماعی دارد، بایستی مطالعه هم داشته باشد و با دستگاه های اجرایی در طرح تفصیل جوامع شهری مشارکت داشته باشد تا کار به نتیجه برسد.

نکته اینجاست که اگر کمکی هم شود عاطفی است و خارج از برنامه است؛ بنابراین سرمایه مصرف شده در آن سازمان نظام درستی ندارد؛ به همین دلیل نتیجه ای هم نخواهد داشت.

مهندس بهرامن:

آیا پول هایی که خرج می شود کمک است؟ نگاهتان این است که کمک کنیم؟

دکتر گراوند:

کمک نیست باج است.

مهندس بهرامن:

احسن پس کمک نیست و تحت فشار این پولها را می دهند. طبیعت دارای آرامش است، مسلماً هر صنعتی از جمله معدن کاری با خودش تخریب هم دارد، وقتی به طبیعت دست می زنید روحیه کودکانی که در آنجا رشد می کنند، خشن می شود و در آینده، همان کودکان تبدیل به معارض



می‌شود و ممکن است تخریب‌هایی باشد که حتی دیده نشود؛ مثلاً منطقه‌ای بوده است که ۵۰-۴۰ رأس گوسفند به دلیل بوق کامیون‌ها کشته شدند و یا سقط کردند. شما یک تکلیف پیوست محیط‌زیستی دارید. اگر من جای معدن کاران باشم خودم برای خودم یک تکلیف پیوست اجتماعی و فرهنگی ایجاد می‌کنم.

مهندس بهرامن:

ما هم بحثمان همین است.

دکتر جزی:

معدن کار خوب هم داریم؛ البته ممکن است ارتباط دولتی خوبی هم داشته باشند. به‌طور مثال در ساغند چیزهایی دیدم که واقعاً لذت بردم؛ مثل ساخت سالن بدن‌سازی برای کارگرانشان که مردم روستا هم از آن استفاده کنند. چرا وقتی معدن کاران سرمایه دارند، انجام ندهند و فقط مشوق خود را کاهش ۲۰ درصدی حقوق دولتی بدانند.

مهندس بهرامن:

آیا این وظیفه تولیدکننده است؟

دکتر جزی:

خیر، وظیفه تربیت‌بدنی است؛ به‌طور مثال منطقه ویژه پارس در جم موظف است نفت را استخراج و پالایش کند و به مردم تحویل دهد. در آن زمان وزارت نفت از عسلویه تا جم راه‌سازی کرد؛ ولی وزارت راه مسئولیتش را نپذیرفت و وظیفه نگهداری آن را هم برعهده وزارت نفت گذاشتند.

اعتقاد من این است که تربیت‌بدنی نباید سالن ورزشی را نگه دارد یا وزارت راه برای تعمیر و نگهداری جاده که وظیفه‌شان است؛ نگویند وظیفه‌ی

زمانی که یک جاده خاکی احداث می‌شود، افرادی که در حاشیه‌ی این جاده‌ها هستند متضرر می‌شوند؛ مثلاً گردوخاک بلند شده از جاده حداقل تا ۲ کیلومترمربع گیاهان و درختان میوه را از بین می‌برد. کامیون‌داران آموزش ندیده‌اند که وقتی دام در حال عبور از جاده است بوق نزنند؛ چون باعث شوک به حیوان می‌شود.

مهندس بهرامن:

در روز چند راننده کامیون معدن بوق می‌زنند؟ آیا وانت معمولی بوق نمی‌زند؟ بوق زدن در جامعه‌ی ما تبدیل به یک فرهنگ موقع سلام و خداحافظی شده است، این مسئله معارض نیست!

دکتر جزی:

آموزش دیدن راننده کامیون معدن یک پیوست اجتماعی است.

مهندس بهرامن:

کامیون متعلق به جامعه است، نه آن منطقه! وقتی می‌گوییم جامعه‌شناسی منظور همین است. فقط آن محدوده نیست و افراد جامعه‌ی ما (فعالان اقتصادی) برای هرگونه فعالیت اقتصادی ممکن است جوامع را برهم بزنند؛ ولی بحث رفت‌وآمد یک مبحث کلی است.

دکتر گراوند:

تخریب معدن ملموس است و به چشم دیده

وجود دارد که بعد از شناسایی، اکتشاف و به نتیجه نرسیدن با همان شکل نامناسب رها شده است و برای محلی‌ها این سؤال به‌وجود آمده که دنبال چه چیزی بوده‌اند؟ این شکل از راه‌سازی محدوده‌ها باعث ایجاد تعارض و ناراضی شده است؛ بنابراین معدن دار بعدی که می‌خواهد بیاید برای انجام کار با مقاومت مردم مواجه می‌شود. اگر بعد از اکتشاف محدوده توجیه اقتصادی داشته باشد، جاده تعیین می‌شود؛ مثلاً اگر محدوده برداشت را ۱۰ کیلومترمربع در نظر بگیرند و منابع طبیعی به آن‌ها به‌اندازه ۲ کیلومترمربع مجوز بدهد، باب میل معدن کار نیست؛ ولی کم‌کم با پرداخت خسارت ناچیز به منابع طبیعی، به آن محدوده مد نظرشان (۱۰ کیلومترمربع اولیه خودشان) می‌رسند؛ چون ارزش‌گذاری روی منابع طبیعی کم است و درآمد معدن زیاد است. برای معدن دار هم سخت نیست و به‌راحتی خسارت را پرداخت می‌کند. متأسفانه به مرحله بهره‌برداری که می‌رسد پیوست اجتماعی ندارد و سود بیشتر تنها در طرح بهره‌برداری آن‌ها ملاک قرار می‌گیرد.

یکسری عرف‌ها وجود دارد که در حال ازبین‌رفتن

است، به‌طور مثال مسیری که دام از آن عبور

می‌کند، قطع می‌شود و گاهی اوقات هویت یک

منطقه از بین می‌رود. شوراها و فرمانداران موقتی

هستند، گاهی با گرفتن پول رضایت می‌دهند یا با

استخدام فرزندان آن‌ها به‌طور موقت گروهی را

راضی می‌کنند؛ درحالی‌که بخش زیادی از مردم

متضرر می‌شوند و این موضوع ایجاد فساد می‌کند.

برای کاهش هزینه، معدن کاری طرح دارد و باید بر اساس طرح پیش برود.

مهندس غرق:

در صنایع دیگر مانند فولادسازی، کابل‌سازی و قطعه‌سازی وقتی تصمیم گرفته می‌شود کارخانه‌ای در جایی احداث شود، ابتدا جانمایی می‌شود و بر اساس معیارهای بودجه، بازار و تکنولوژی این کارخانه‌ها احداث می‌شوند؛ ولی در معدن، زمین تعیین‌کننده است که بر اساس ذخیره میزان باطله برداری، عیار، روباز بودن یا زیرزمینی بودن و غیره که با معدن کناری‌اش می‌تواند کاملاً متفاوت باشد. وضعیت اقتصادی معدن کاهش هزینه و افزایش درآمد است و نگاه ما به آن نباید کوتاه‌مدت باشد. اگر بگوییم ۳۰ سال قرار است اینجا برداشت کنیم نگاه‌ها تغییر می‌کند. بخش معدن از نگاه عمومی و دولتی بخش امنی نیست؛ زیرا نه افکار عمومی همراه شماست نه دولت. تصور مردم این است که معدن گنج است؛ درحالی‌که به‌شدت پُر ریسک است؛ چون از زیر زمین خبر ندارند.

تاکنون ۱۲۰۰۰ پروانه بهره‌برداری صادر شده است و

حدوداً ۴۸۰۰ معدن در حال کار هستند و بیش از

نیمی از معادن فعال نیستند. امسال پنجمین سالی

است که داریم پروژه مسئولیت اجتماعی را انجام می‌دهیم؛ ولی این اقدامات همیشه با نگاه لطف، کمک و خیریه شروع شده و بعداً متوجه شدیم که این رویکرد کمک‌کردن درست است؛ اما اثرات منفی در مجموعه به‌جای می‌گذارد.

ما باید نیازسنجی کنیم؛ جامعه محلی هم باید

مشارکت داشته باشد و احساس تعلق به آن

مجموعه‌ای که می‌خواهیم بسازیم داشته باشند.

مسئولیت اجتماعی یک دانش است.

می‌دهد که اکوسیستم تغییر کند و غیرقابل بازگشت باشد.

من معتقدم اکتشاف هیچ‌گونه تخریب زیست‌محیطی ندارد؛ چون کمتر از ۲ سال می‌تواند به حالت اولیه برگردد و شروع یک فعالیت است. ما هنوز وارد کلوپ معدن کاری جهانی نشده‌ایم. طبق آمار زمین‌شناسی مثلاً در کانادا ۷ میلیون متر حفاری اکتشافی انجام می‌شود؛ ولی در ایران از سال ۱۳۱۷ تاکنون ما به این عدد نرسیده‌ایم. در استرالیا فقط ۷۵۰ میلیون تن صادرات سنگ‌آهن دارد؛ اما اوج تولید سالیانه سنگ‌آهن در کشور ما به ۱۰۰ میلیون تن می‌رسد. مقیاس معدن کاری ما با کشورهای توسعه‌یافته متفاوت و پایین‌تر است.

برداشت من این است که ما باید شبکه‌ای از مفاهیم را بسازیم. یک بخش اجتماعی، یک بخش زیست‌محیطی و یک بخش هم در قانون ترجمه شود. فعالیت اقتصادی یک اصل دارد؛ باید فعالیت سودده باشد اگر نباشد فعالیت اقتصادی نیست، کاهش هزینه و افزایش سرمایه یک اصل است. مثلاً بهتر است برای کاهش هزینه در مرحله بهره‌برداری معدن از طرح انفجاری به‌جای تونلی استفاده شود، ضمن اینکه مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی هم هزینه محسوب می‌شوند.

مهندس بهرامن:

البته این‌طور نیست که می‌فرمایید (که تونلی نزدیک

ما نیست. ممکن است زمانی به‌دلیل کسری بودجه نتوانند انجام دهند، ایرادی ندارد که معدن کار یا صنعت کار قبول کند بسازد؛ ولی بایستی مسئولیت بپذیرند، تحویل بگیرند و آن را اداره کنند.

مهندس بهرامن:

قانون وظیفه را مشخص کرده است. طبق تبصره ۲

و ۳ و ۶ قانون معادن اگر بتوانید از منطقه صیانت

کنید و بهینه کار انجام دهید، مشوق شما حقوق

دولتی است؛ ولی مسئولیت با دستگاه اجرائی است.

اگر دستگاه اجرائی نمی‌تواند وظایفش را به‌درستی

انجام دهد چرا سرمایه‌گذار انجام دهد؟ ما باید

مطالبه‌گر دولت باشیم. اگر تربیت‌بدنی پول ندارد

چرا باید سرمایه‌گذار انجام دهد؟

مهندس غرق:

باید طرح مسئله کنیم، بحث شما تعارض اجتماعی برای معدن کاراست. بعد از تصویب قانون معادن برای بخش معدن حدود ۲ دهه است که بخش خصوصی در آن به‌طور واقعی وارد شده است؛ ولی قبلاً تماماً دولتی بود؛ بنابراین مفاهیم باید پله‌پله ساخته و تکمیل شود.

تخریب محیط‌زیست تعریف دارد، هر آلودگی و تغییر ظاهر تخریب نیست. تخریب وقتی رخ



مهندس بهرامن:

اقتصاد باید در قالب منافع ملی دیده شود نه فرد.

دکتر جزی:

در بالادست برخی از روستاها با یک کیلومتر فاصله چاههایی را در معادن ساخته‌اند که باعث شده آب روستا قطع شود؛ چون به زه کش آب توجه نمی‌کنند و این معدن، زه کش روستا را حذف می‌کند.

مهندس غرقعی:

تخریب‌هایی که برای ساخت جاده، هتل، پالایشگاه و نیروگاه ایجاد می‌شود؛ بهمراتب از تخریب‌های معدن کاری بیشتر است؛ در معدن نهایتاً ۴ جبهه کاری داریم و در آخر فقط جابه‌جایی خاک دارد، به واسطه جاده‌های دسترسی که برای معدن کاری احداث می‌شود، زمین‌های اطراف آن ارزشمند می‌شوند. حتی بعد از ۳ سال بارها مشاهده شده است که اکوسیستم جدیدی ایجاد شده (حتی یک دریاچه ایجاد شده است). نمی‌توانیم بگوییم هر چیزی که منظره را تخریب کرد جزء اثرات زیست‌محیطی است. اولین گام سالم بودن بنگاه معدن کار است. حقوق، ایمنی و مشاوره برای شرکت از نظر مسئولیت اجتماعی خیلی مهم‌تر از ساختن مسجد و فرودگاه است.

ما ابتدا باید به اجماع نظر در خصوص مسائل اجتماعی برسیم تا بتوانیم این مورد را به الزامات قانونی تبدیل کنیم که فقط به معدن کار فشار وارد نشود. واحد مسئولیت اجتماعی مانند واحد تعمیرات و ماشین‌آلات باید مجزا باشد؛ بنابراین اولین قدم افزایش کیفیت و ایمنی نیروی کار خودمان است. روستاییان یاد نگرفته‌اند مطالبه‌گری

کنند؛ به‌طور مثال درخواست ساخت مدرسه ندارند و

عموماً درخواست‌هایشان در رابطه با ایزوگام کردن،

خرید فرش برای مسجد و امثالهم است.

خارستانی:

انتظار من این است که نقش مسئولیت فعالان و بازیگران مشخص شود. معدن کار، جامعه محلی، نهادها و ارگان‌ها چه نقشی دارند؟ متناسب با آن پیش برویم که در یک بستر یکپارچه و به‌هم‌پیوسته که تمام این بازیگران حضور دارند چطور تعاملاتشان، کنش و واکنشی که با فعالیت مرتبط با صنعت معدن دارند، زیست انسانی و زیست طبیعی را تشکیل می‌دهد؟ باید بپذیریم که ما در کل صنایع

در حال یادگیری و چگونگی ارتباط با ذی‌نفعان

کلیدی هستیم. نمی‌توان کتمان کرد که در تربیت و

پرورش بدنه بسیار بزرگ مدیران و کارشناسان ما

مسائل مالی و اقتصادی صرفاً به‌صورت سنتی با

مدیریت کسب‌وکار تعیین شده است. داشتن دید

یکپارچه خیلی مهم است. اگر من دوام و پایداری

کسب‌وکارم را می‌خواهم، باید بدانم که حیات و

پایداری و دوام محیط انسانی و پیرامون هم باید

لحاظ شود؛ درحقیقت این موضوع ضامن دوام

بلندمدت کسب‌وکار من خواهد بود. درک کردن

مردم بومی و صنعتگر و شنیدن صدای آن‌ها بسیار

حائز اهمیت است تا خیلی از ناهنجاری‌ها و زمینه‌های

فساد را مدیریت کنیم.

مهندس بهرامن:

بحث معدن کاری صرفاً اکتشاف و استخراج نیست،

باید زمان انتهایی معدن کاری دیده شود. وقتی طرح

می‌دهید باید پایان آن هم دیده شود؛ اگر دیده

نشود، جامعه، صنعت معدن کاری را مخرب می‌بیند؛

به‌عنوان مثال یک منطقه‌ی معدنی بود که ما طرح

تبدیل آن معدن به موزه و منطقه گردشگری بعد از

پایان کارش را به منابع طبیعی دادیم که با آن طرح

مخالفت شد؛ ولی بعد از ۴۸ ساعت و فقط در مدت

یک‌هفته معدن از منابع طبیعی خارج شد و به

مسکن و شهرسازی واگذار شد! ما کار خودمان را

انجام دادیم، بخش خصوصی این ذهنیت را ایجاد

کرد و مسئولیتش را هم پذیرفت؛ ولی طرح در شورا

باطل شد و معدنی که باید تبدیل به یک اصل

می‌شد، تبدیل به دارایی خودشان شد و این سرمایه

به سرمایه‌ی دیگر تبدیل نشد؛ در نتیجه، این معدن

(معدنی که مجوز تبدیل آن به منطقه گردشگری

داده نشد) تخریب می‌شود. اصل معدن بازسازی

معدن است، ما به دولت و منابع طبیعی گفتیم که از

روز اول طرح ما بازسازی داشته است و در همه

طرح‌ها انتهای آن می‌بایست تعریف شود؛ ولی

دولت و منابع طبیعی می‌گویند نیازی نیست.

امروزه معدن کاری ما نسبت به ۲۵ سال قبل فرق

کرده است؛ چون ذهنیت و نگاه‌ها عوض شده است.

علت همان تفکر جامعه‌شناسی نسبت به منطقه

است. اگر طبیعت به ما برکت می‌دهد ما هم به

نحوی باید این برکت را به طبیعت برگردانیم. در



دهید که بتوان به آن برچسب مسئولیت اجتماعی زد؟

ساخت ورزشگاه برای کاهش سختی کار و تخلیه انرژی در آن شرایط کاری، مربوط به رفاه اجتماعی کارکنان است که می‌تواند برای هر سازمانی در چهارچوب خودش متفاوت باشد. بعضی از سازمان‌ها تخفیف‌ها و مرخصی‌های خاصی را در نظر می‌گیرند. اگر فراتر بروید و خانواده‌های آن‌ها و خانواده‌های وابسته به آنان را ببینید آن‌وقت تبدیل می‌شود به کار مسئولیت اجتماعی که خیلی گسترده‌تر و متفاوت‌تر است.

من مدتی مدیر بخش مسئولیت اجتماعی در صنعت نفت بودم و همیشه، این مثال را می‌زدم که اگر الان تمامی کارکنان را جمع کنید و از آن‌ها بخواهید به‌طور تخصصی در خصوص چاه حفاری اظهار نظر کنند، بودجه و مقیاس را تحلیل کنند؛ شاید ۳ الی ۴ نفر بتوانند نظر تخصصی بدهند؛ ولی اگر سؤال شود که اگر مردم جلوی کمپ را گرفتند چه کار کنیم؟ تمامی ۱۰۰۰ نفر کارکنان نظر می‌دهند. ببینید این مسئله عمومی شده است و فکر می‌کنند همه می‌توانند راجع به آن نظر بدهند.

بحث مردم نه حراستی است و نه حقوقی، بلکه خود

اجتماع است. باید اجتماع را شناخت و دید و بررسی کرد؛ به‌طور کلی اولین کاری که صنعت می‌کند، تخریب محیط است. تغییر کارکرد زمین برای توسعه کسب‌وکار و رفاه به کارکرد صنعتی، تغییرات اقلیمی را به‌دنبال دارد. این تخریب نامحسوس عوامل دیگری را نیز ایجاد می‌کند؛ به‌طور مثال در معاونت اکتشاف شرکت صنایع ملی مس که بودم

مبحث مسئولیت اجتماعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بحث اقتصادی که امروزه در دنیا به آن توجه زیادی شده است را در ۲ جنبه بررسی می‌کنم. مصداق مسئولیت اجتماعی هیچ‌وقت از زبان متخصصین و نظریه‌پردازهای اجتماعی در تاریخ مسئولیت‌های اجتماعی مطرح‌نشده است. در قدم اول از زبان اقتصاددانان به‌عنوان یک ارزش‌افزوده برای برندهایی که در مناطق مختلف کار می‌کردند مطرح شد و در مرحله بعد به‌عنوان پاسخگویی و رضایت مشتریان مطرح شد؛ یعنی کسانی که می‌خواستند از

خدماتی که واحد اقتصادی می‌خواهد ایجاد کند،

منتفع بشوند. در واقع تعهد پاسخگویی به جامعه و به

عواملی که درگیر آن مشکلات اقتصادی بودند. به‌مرور

زمان که این نظریه برای اولین بار در بدنه صنایع و

کسب‌وکارهای بزرگ مطرح شد، نمودش در بدنه

سازمانی مشاهده شد. در دنیا تمامی شرکت‌های

بزرگ مسئله مسئولیت اجتماعی را در درون

سازمانشان دارند. به‌قول معروف «چراغی که به خانه

رواست به مسجد حرام است» مثال خوبی برای این مسئله است که آن را به توسعه و تعالی سازمانی و هویت‌بخشی کارکنان نسبت به آن کسب‌وکار ارتباط می‌دهد؛ بنابراین در قدم اول بحث منابع انسانی را به‌عنوان رفاه کارکنان مطرح کردند؛ ولی در حال حاضر مسئله‌ای که وجود دارد این است که چه کاری را به‌غیر از رفاه کارکنان می‌توانید انجام

معدن کاری باید کار از ابتدا تا انتها دیده شود و زنجیره را بشناسیم و فقط یک قسمت را نبینیم. معدن کاری باید با تکنولوژی روز همراه باشد؛ چون تجدیدپذیر نیست. ما در سال ۱۳۷۰ در الیگودرز مجتمعی را گرفتیم که ۳۰ درصد آن مجتمع را طبق مسئولیت اجتماعی به ورزشگاه تبدیل کردیم.

از سازمان تربیت‌بدنی خواهش کردیم که ورزشگاه را

از ما تحویل بگیرید، حتی گفتیم که هزینه سه سال را

هم پرداخت می‌کنیم شما فقط مسئولیت آن را

بپذیرید، در آخر این مسئولیت به‌سختی منتقل شد.

این تفکرات را باید قلم زد و در حوزه مسائل فرهنگی به جامعه‌ی معدنی بگوییم که اگر انجام بدهند برنده می‌شوند.

خارستانی:

ما یک الگوی رهبری مثبت در سطح مدیرانی مثل شما در حوزه‌های اجتماعی و توجه به مسائل زیست‌محیطی داریم؛ اما آنچه که در عملکرد و کف صنعت به هر دلیلی از جمله فساد حکمرانی، فشارهای اقتصادی و زدبندها در حال رخ دادن است با آنچه که در الگو تلاش می‌شود تا به آن برسیم فاصله دارد. مهم‌ترین مسئله‌ای که اینجا مطرح شد این بود که ما باید فهم متقابل را افزایش بدهیم و بپذیریم که در مرحله یادگیری هستیم.

خانم دکتر پورشاد سؤال از شما این است که چرا به نظر شما این فاصله حتی در گفتگو کردن بین سازمان‌ها و ذی‌نفعان اتفاق افتاده است؟ عوارض چیست؟ فقدان چه چیزی حس می‌شود؟ روش‌های مشارکت چه تفاوت‌هایی کرده است؟

دکتر پورشاد:

از صحبت‌های مهندس غرق‌ی شروع می‌کنم و



کار دید. **مسئولیت اجتماعی باید جزء سیاست‌ها و**

راهبردهای سازمان شود. نباید سطحی نگاه کرد، باید

شاخص داشته باشد و رشد شاخص‌ها بررسی شود و

ببینیم کدام شاخص را از جنبه‌ی اجتماعی و

زیست‌محیطی می‌خواهیم ارتقا دهیم؟ به چه شکل

این شاخص‌ها به برنامه‌های منطقه‌ای، ملی و جهانی

وصل می‌شود؟ متأسفانه، این مسائل در همه صنایع

مغفول مانده‌اند و در چارچوب برنامه‌های نیستند.

مهندس بهرامن:

ما هدفمان از این نشست‌ها این است که بتوانیم به این بحث‌های تخصصی جامعه‌شناسی، جامه‌ی عمل ببوشانیم. باید واحد کلینیک تخصصی مسئولیت اجتماعی را در مجتمع‌های معدنی داشته باشیم که به صنعت معدن کاری واقف باشد. ۸۵ درصد معادن کشور خصوصی هستند. ما رودرروی مردم هستیم. کلینیک‌های تخصصی مسئولیت اجتماعی باید به بخشی از ساختار سازمانی تبدیل و تعریف شود که بر اساس آن بتوانند عملیات انجام دهند و پایدار شوند. قطعاً در درازمدت اگر مسئولیت اجتماعی درست دیده شود در حفظ منافع اقتصادی هم حرکت می‌کنند. ما در بخش معدن نمی‌گوییم اکتشاف یا استخراج، بلکه می‌گوییم اقتصاد معدنی. باید منافع اقتصادی را دید. چه اشکالی دارد؟ مراکز

می‌شویم که مسئولیت اجتماعی زیرمجموعه‌ی روابط عمومی است و زمانی می‌توانیم بگوییم تعهد به مسئولیت اجتماعی داریم که یک واحد مستقل ذیل نظر مدیر ارشد داشته باشیم؛ چون مسئولیت اجتماعی ۱۰۰ درصد مدیریتی است و می‌تواند به روابط عمومی کمک کند و اطلاعات خوبی را برایشان ایجاد کند. چه زمانی از بعد وظیفه‌ای خارج می‌شود؟

در تمام دنیا مسئولیت اجتماعی رفتار سازمانی است

نه وظیفه سازمانی. تجربه‌ای را در یکی از شهرهای

کوچک اسکاندیناوی، نزدیک به رودخانه دانوب داشتیم که با یک جرثقیل عظیم صنعت کشتی‌سازی راه‌اندازی کرده بودند، وقتی که کار تمام شد تمام وسایل از جمله جرثقیل به همان حالت رها شد و چهره بسیار زشتی در آنجا ایجاد شد و باعث شد یکسری از اشرار در آنجا مستقر شوند؛ بعد از این قضیه یک گروه خلاق آمدند و کل مجموعه را به مرکز فرهنگی، آموزشی و تفریحی تبدیل کردند و همان جرثقیل را تبدیل به وسیله‌ای برای تفریح کردند. جوانان بیکار آن منطقه شاغل شدند و جذب توریست کردند و کسب‌وکارهای محلی و وابسته به آن رونق پیدا کرد و آن منطقه به‌عنوان یک Case Study و بحث خروج از تولید صنعتی معروف است.

اگر مسئولیت اجتماعی در ساختار سازمانی قرار نگیرد و ردیف بودجه‌ی مشخصی نداشته باشد، تبدیل به یک کار تزئینی و موقتی می‌شود. تا کی می‌خواهند مسجد را ترمیم کنند؟ باید کار مسئولیت اجتماعی در معادن در قالب نوشتار انجام شود و تدوین سند شود تا معدن کار بداند از چه شاخه‌ای وارد شود و به چه فعالیت‌هایی توجه کند؛ به‌عنوان مثال تأثیرمان در فرایند گرم‌تر شدن زمین به چه شکل بایستی انجام شود؟ نیازهای مردم را باید از آغاز

می‌گفتم وقتی حق چرای دام را از دامدار گرفتید و می‌گویید دیگر در اینجا وارد نشوید، اولین اتفاق کوچ اجباری دامدار، فروش دامش است که باعث می‌شود زنجیره معیشت برای آن خانواده قطع شود؛

چون پولش را به دامدار داده‌ایم، به تبعاتش و اینکه

فرزندانشان از چرخه معیشتی خارج می‌شوند و باعث

آسیب‌های اجتماعی می‌شوند هیچ توجهی نمی‌کنیم.

ما در بحث مردمی نباید فقط وقتی بحران به وجود

می‌آید به سراغ مردم برویم، باید از ابتدا به فکر بود.

روستاییان نیروی انسانی توسعه‌یافته ندارند. خیلی از آنان از آموزش و پرورش رضایت ندارند و معلم خوب و باسواد می‌خواهند نه اینکه فقط دیوار مدرسه را که فروریخته برایشان بازسازی کنیم. خیلی از برندهای مواد غذایی زابل به‌هیچ‌عنوان در تهران وجود ندارند؛ مثل تن ماهی و پروتئین که با کمترین کیفیت در اختیار مردم گذاشته می‌شود؛ هرچه منطقه محروم‌تر باشد، خدمات رفاهی، آموزشی و بهداشتی کمتر است.

ما مسئولیت اجتماعی را در ۲ بعد نگاه می‌کنیم: بعد

درون‌سازمانی و بیرون‌سازمانی. بعد درون‌سازمانی

باید نیازسنجی شود، توامان و به‌موازات بیرون

سازمان و در چارچوب برنامه باشد. تا درون سازمان

ساخته نشود هرچقدر هم بیرون سازمان را بسازیم

فقط داریم نارضایتی درونی را افزایش می‌دهیم. کار

خیر، کار مسئولیت اجتماعی نیست. جذب نیروهای محلی، کار مسئولیت اجتماعی نیست. زمانی مسئولیت اجتماعی می‌شود که به یک برنامه، راهبرد و سیاست‌گذاری متصل شود، چیزی که اصلاً وجود ندارد! ما اگر چارت سازمانی تمام کسب‌وکارهای بزرگ و متوسط را ببینیم، متوجه



شدند، تصمیم گرفته شد که در این حوزه کاری انجام شود و بر همین اساس یک مؤسسه تشکیل شد به نام مؤسسه مشاوره و دآوری معدن و صنایع معدنی صمتا که بتواند حمایت‌های قضایی و صیانت‌هایی را در این حوزه انجام دهد. **حل مشکلات حقوقی معدن کاران**

در این مؤسسه بدون هیچ‌گونه انتفاعی انجام

می‌شود. مسئولیت اجتماعی مسجدسازی و سبب

کالا نیست، فراتر از این مسائل است. امروزه جامعه

تغییر کرده است و شکم مردم گرسنه است و

فرهنگ‌ها به دلیل گرسنگی دستخوش تغییر شده

است. انتظارات از بخش معدن زیاد است؛ چون

معدن کاران در مناطق محروم کار می‌کنند و از

انفال بهره می‌برند. باید آسیب‌شناسی و

جامعه‌شناسی انجام شود و مردم از بعد روان‌شناسی و

فرهنگی ساختارسازی شوند. در مسائل اجتماعی باید

یک چارچوب مشخص داشت تا ترویج فرهنگ

مسئولیت اجتماعی به‌درستی انجام شود. در حال

حاضر هرکسی به فراخور خودش در حال انجام کار

مسئولیت اجتماعی است؛ درحالی‌که باید

هماهنگ‌سازی، بومی‌سازی و ساختارسازی شود تا

خدمات را به‌درستی پوشش دهند.

پیشنهاد من این است؛ باتوجه‌به اینکه مؤسسه دآوری

صمتا میانجیگری، آسیب‌شناسی، روان‌شناختی علمی

و مشاوره حقوقی انجام می‌دهد ما از این طریق و به

طور خالص به جامعه کمک کنیم. همچنین از همه

معدن کاران دعوت کنیم تا بگویند تاکنون چه کاری

در این رابطه انجام داده‌اند تا بتوانیم ساختارسازی و

آسیب‌شناسی کنیم. این‌طور نباشد که معدن کار برای

پیشنهاد دوستان این است که بایستی برنامه‌هایی را در سطح کلان پیشنهاد دهیم، نقشی که حتی خانه معدن هم می‌تواند ایفا کند (ایجاد یکپارچگی کل سیستم و ارتباط بین فعالیتی که کل صنعت معدن می‌خواهد با اسناد کلان توسعه کل کشور داشته باشد) که البته ظرفیت‌های توسعه‌ای را با نگاه یکپارچگی حیات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی احصا کردند؛ اما از طرف دیگر نیازمند این هستیم که زبان فعالان حوزه اجتماعی و محیط‌زیستی و زبان فعالان حوزه اقتصادی از طرف سایر بازیگران به رسمیت شناخته شود؛ پس در سطح کلان نیازمند ظرفیت‌سازی برای گفتگوی مؤثر هستیم. تأکیدی که عزیزان در تقویت این نگاه سیستمی داشتند این

بود که **بحث پیوست اجتماعی به‌عنوان یک جنبه**

فعالیت رسمی و واقعی در صنعت معدن ترویج

شود، شاید به‌عنوان یک اقدام داوطلبانه توسط خانه

معدن ایران ظرفیت‌سازی شود و در این حوزه

پیاده‌سازی شود.

آقای دکتر دریانی به‌عنوان یک حقوق‌دان نظر تان را

بفرمایید. این چالش‌ها با نگاه بخش خصوصی چطور

حل و فصل می‌شود؟

دکتر دریانی:

زمانی که مهندس بهرامن رئیس خانه معدن ایران

دولتی دارند به بخش خصوصی آسیب بزرگی می‌رسانند؛ چون برنامه‌ای ندارند و فقط پول خرج می‌کنند. در سال ۷۵ اولین لوح معدن‌کاری سبز را به‌خاطر درختکاری در استان فارس و اولین لوح معدن‌کاری سبز در بخش خصوصی را از خانم ابتکار دریافت کردم، این در حفظ منافع اقتصادی مجموعه‌ی خودم بود و این موضوع من را پایدار کرد و از این جهت می‌گویم که سرمایه‌گذاری است. باید یاد بگیریم این بخش را در سازمان ببینیم، اگر نتوانیم، رشد نخواهیم کرد. توسعه زمانی اتفاق می‌افتد که تفکرات توسعه‌ای داشته باشیم.

خارستانی:

ما امروز در ۲ سطح صحبت کردیم که یک سطح

کلان‌تر است. در صنعت معدن در بستری داریم

فعالیت می‌کنیم که در آن فعالانی وجود دارند و به

اعتقاد جمیع نظرات این جمع دارای تضاد و منافاتی

هستند. در این ۱۵-۱۰ سال اخیر الگوهای رفتاری،

کنش و واکنش‌ها به‌جایی نرسیده است که بتوان

هم‌افزایی برای توسعه‌ی پایدار صنعت ایجاد کند؛

درحالی‌که حتی سنگ‌اندازی‌هایی از قبیل الگوی

فرهنگی نامناسب و جاری در حوزه‌ی فساد حکمرانی

یا حوزه عمومی، عدم فهم مشترک و عدم توجه به

یکپارچگی زیست انسانی و اجتماعی هم به دلایل

مختلف داشته است.



انجام یک کار مسئولیت اجتماعی فقط ۵۰۰ میلیون

تومان پول بدهد و تمام.

دکتر جزی:

جمع‌بندی من این است که اگر به‌جای کلمه‌ی کلینیک از اتاق مردم استفاده شود از نظر لغوی خیلی بهتر است. ما یک اتاق اجتماعی پر تحمل می‌خواهیم. من ۲۵ سال است کار مردمی و میدانی انجام می‌دهم. باید دغدغه‌ی مردم را بپذیریم. این ساختار که شکل می‌گیرد باید اساسنامه داشته باشد و نحوه ارتباطاتش مشخص باشد؛ ولی یک حوزه‌ای را به‌عنوان حوزه پایلوت انتخاب کنیم و استانی را انتخاب کنیم که بیشترین مشکلات را در این زمینه دارد و بعد از بررسی مسائل، راه‌حلی را ارائه دهیم.

مهندس بهرامن:

منظور من این بود که این کلینیک را در ساختار سازمانی خودشان ایجاد کنند و کار را پیش ببرند نه اینکه ما ایجاد کنیم. ما فقط تجربیاتمان را روی هم می‌گذاریم و فرهنگ‌سازی می‌کنیم و این موضوع را باید با نگاه اقتصاد معدن دید. اسمش را کلینیک گذاشتیم؛ چون نگاه کلینیکی است و جایی است که از اهالی منطقه مراقبت می‌کند؛ ولی در بخش اجتماعی. باید دید چه کاری انجام‌شده است که معارضین مناطق زیاد شده‌اند؟

دکتر جزی:

همه‌ی ما کلمات توانمندسازی و تسهیلگری را در کشور بکار می‌بریم، ما کپی‌کاران حرفه‌ای هستیم. باید کلمات عمیق پیدا کند. کلمه‌ی اتاق را که من گفتم بایستی کاملاً پخته شود و خودمان آن را بشناسیم و ناپخته انتقال ندهیم که نهادینه شود. ابتدا خودمان آن را بشناسیم بعد به‌دنبال فرهنگ‌سازی برویم، ترس من فقط همین است.

دکتر پورشاد:

این ساختار باید مستقیم و با بخش مدیریت ارشد ارتباط داشته باشد.

مهندس بهرامن:

همچنین به‌طور مستقیم با سرمایه‌گذار در ارتباط باشد.

دکتر پورشاد:

بدون برنامه و وجود شاخص‌ها نمی‌توان کاری را پیش برد. حتی برنامه‌ی کوتاه‌مدت و میان‌مدت هم باید به یک سیاست و استراتژی که همه، آن را پذیرفته‌اند متصل باشد تا به اقدام برسد و بتوانیم به هم‌افزایی مشترک برسیم.

دکتر گراوند:

به‌عنوان کسی که علوم اجتماعی خوانده‌ام خیلی خوش‌حالم که این ادبیات در حوزه‌ی فعالیت‌های سخت‌کشور وجود دارد و این می‌تواند نشانه‌ی پیشرفت باشد؛ باینکه ۹۰ درصد معادن در اختیار بخش خصوصی است؛ ولی باید طوری فکر کرد که دولت همه‌جا حضور دارد. ما بحثان سر اسم نیست؛ بلکه باید روی محتوای آن تأکید داشته باشیم. همان اتاق مناسب است؛ تکلیف پیوست اجتماعی برای فعالیت معدنی هم باید مانند تکلیف پیوست محیط‌زیستی مشخص شود و در آن پیوست مسئولیت‌ها مشخص شود که مثلاً اداره راه مسئولیت جاده و اداره برق مسئولیت برق را بپذیرد و درمانگاه توسط ادارات بهداشت مدیریت شود. به این معنی که تمامی دستگاه‌های دولتی که از ما برای انجام کاری پول می‌گیرند و مجوز را صادر می‌کنند، باید مسئولیت تأمین زیرساخت‌ها را هم بپذیرند. خیلی ساده است و با این روند تکلیف سرمایه‌گذار هم معلوم می‌شود. ما در ابتدا با

معدن‌کاران و در مراحل بعد با حوزه اجتماعی و دولت نیازمند گفتگو هستیم. بهترین جا برای گفتگو

هم همین اتاق اجتماعی و بخش مسئولیت

اجتماعی است. باید فراخوان عمومی بدهیم و از

تمام کسانی که کار مسئولیت اجتماعی کرده‌اند

دعوت به همکاری کنیم. می‌بایست به تمام کسانی

که می‌خواهند در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی

کاری انجام دهند آموزش دهیم و منظور و مفهوم

مسئولیت اجتماعی را به‌درستی انتقال دهیم.

خواهش من این است که معدن‌کار را توجیه کنید. مطالعه پیوست اجتماعی تهیه کنید و گواهینامه صلاحیت به آن‌ها بدهید و به معدن‌کاران بگویید از کسانی استفاده کنند که گواهینامه صلاحیت دارند.

خارستانی:

به نظر می‌رسد که تمامی حاضرین در این میزگرد بر داشتن رویکردی تخصصی و هم‌زمان عمل‌گرایانه در زمینه ایفای مسئولیت‌های اجتماعی در صنعت معدن توافق نظر دارند. در این راستا، نیاز است که ذی‌نفع‌گرایی به‌عنوان محور اصلی تعیین شود و با همکاری متخصصان در عرصه مسئولیت اجتماعی، تسهیلگری اجتماعی و توسعه‌ی جوامع محلی، بتوان روحی تازه به تعاملات میان فعالان

صنعت معدن و جوامع محلی دمید. از طرف دیگر،

شفاف‌سازی در مسئولیت‌ها و حوزه پاسخگویی

ذی‌نفعان کلیدی این عرصه (مانند ارگان‌های دولتی،

نهادهای عمومی محلی، بخش خصوصی و غیره)

یک نیاز جدی است تا بتوان به‌درستی گستره ورود

و مسئولیت هر یک از این ذی‌نفعان در عرصه توسعه

اجتماعی را مشخص کرد.

در پایان این میزگرد، از تمامی شما عزیزان تشکر می‌کنم. امیدوارم که با تداوم برگزاری نشست‌هایی از این دست بتوانیم گفتگوی مؤثری میان فعالان عرصه اقتصادی و اجتماعی شکل دهیم که منجر به حل مشکلات و چالش‌های موجود گردد و از طرف دیگر، ارزش‌آفرینی پایدار برای ایشان را تسهیل نماید.





سید رضا میرآقایی
وکیل پایه یک دادگستری

تحلیل ماده ۲۲ قانون معادن

و محدوده آن انجام گردد با قید اولویت اجاره بها یا

قیمت ملک را بدون محاسبه ذخایر معدنی واقع در

آن به قیمت روز به مالک پرداخت نماید. در مرحله

نهایی و در صورتی که مالک از دریافت مبلغ کارشناسی شده امتناع نماید مجری عملیات معدنی مکلف گردیده که وجه موضوع کارشناسی را به صندوق سازمان ثبت اسناد و املاک کشور واریز نماید و مشروط بر انجام مراحل پیش گفته است که زمینه انجام عملیات معدنی توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت فراهم خواهد شد.

در ادامه ماده ۲۲ آورده شده است که تشخیص دایر

و یا مسبوق به احیاء بودن و وضعیت مالکیت برعهده

مراجع مربوطه است.

در توضیح این قسمت از ماده باید عنوان داشت که اراضی دایر و بایر مالک خاص دارد و ماده ۲۵ و ۲۴ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۰۶/۲۲ زمین های دایر و بایر یا همان مسبوق به احیاء را این گونه تعریف نموده است:

ماده ۵ قانون زمین شهری: اراضی دائر زمین هایی است که آن را احیاء و آباد نموده اند و در حال حاضر دائر و مورد بهره برداری مالک است، زمین های دائر مشمول این قانون صرفاً اراضی کشاورزی یا آیش اعم از محصور یا غیر محصور است.

ماده ۴ قانون زمین شهری: اراضی بایر شهری زمین هایی است که سابقه عمران و احیاء داشته و به تدریج به حالت موات برگشته، اعم از آنکه صاحب مشخصی داشته و یا نداشته باشد.

چنانچه اجرای عملیات معدنی در محدوده املاک دایر یا مسبوق به احیاء اشخاص واقع و نیاز به تصرف این املاک باشد مجری عملیات پس از تأیید وزیر معادن و فلزات مکلف است اجاره یا بهای آن را بدون محاسبه ذخایر معدنی واقع در آن برابر نظر کارشناس رسمی دادگستری به قیمت روز به صاحب ملک بپردازد و در صورت امتناع وی از دریافت آن در صندوق سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تودیع نماید که در این حالت زمینه انجام عملیات معدنی توسط وزارت معادن و فلزات با هماهنگی دستگاه های مسئول فراهم خواهد شد. تشخیص دایر یا مسبوق به احیاء بودن املاک و وضع مالکیت ملک یا مالکین به عهده مراجع مربوطه است. صدر ماده مذکور از چند بخش مختلف تشکیل گردیده است.

اولین بخش ماده ۲۲ حکایت از آن دارد که مجری

عملیات معدنی می بایست ابتدایه ساکن و پیش از

انجام هرگونه اقدامی در زمینه تصرف محدوده

املاک بایر یا مسبوق به احیاء اشخاص جهت اجرای

عملیات معدنی نسبت به اخذ تأیید وزیر صنعت معدن

و تجارت اقدام نموده و پس از اخذ تأییدیه فوق در

خصوص ضرورت انجام فعالیت های معدنی در

محدوده مورد نظر در مرحله دوم با اخذ نظریه

کارشناس رسمی دادگستری و بنا بر توافق با مالک

عرضه و ملکی که عملیات معدنی می بایست در محل

اداره کل حقوقی قوه قضاییه در بیان مفهوم ماده ۲۲ قانون معادن در قسمت ارزیابی و اظهار نظر کارشناس رسمی در مورد قیمت روز محدوده معدن طی نظریه شماره ۷/۷۵۲۳-۱۱/۱۳-۱۳۷۷/۱۳۷۷ چنین عنوان داشته است:

مستفاد از ماده ۲۲ قانون معادن آن است که محدوده معدن بدون محاسبه ذخایر معدن واقع در آن برابر نظر کارشناس رسمی دادگستری به قیمت روز محاسبه می گردد، خواه صاحب ملک راضی باشد یا نباشد، راه وصول به معدن مشمول ماده فوق الذکر نمی گردد؛ لذا باتوجه به موازین شرعی و قانونی جلب رضایت مالک لازم است.

در ادامه تبصره های ۱، ۲ و ۳ ذیل ماده ۲۲ به شرح ذیل ارائه گردیده است:

تبصره ۱ — در صورتی که برای ادامه عملیات اکتشافی یا بهره برداری و استخراج معادن واقع در خارج از املاک یادشده نیاز به حفر کانال یا تونل زیرزمینی باشد که در عمق عرفی املاک مزبور قرار گیرد، مشمول ماده فوق بوده در غیر این صورت تابع ملک نخواهد بود. تشخیص عمق عرفی موضوع این تبصره باتوجه به نوع کاربری اراضی منطقه عملیات معدنی به عهده کارشناس رسمی دادگستری است.

تبصره ۲- مالک یا مالکین املاک فوق الذکر یا قائم مقام قانونی آن ها در اخذ پروانه اکتشاف ذخایر سنگ لاشه ساختمانی و سنگ های تزئینی و نما واقع در عمق عرفی املاک دایر یا مسبوق به احیاء خود که به ترتیب مقرر در قسمت اخیر تبصره فوق تعیین

و نهادها و مؤسساتی هستند و عدم پذیرش

پروانه‌های اکتشاف و بهره‌برداری معدن به‌عنوان اسناد

رسمی دلالت دهنده به‌حق انتفاع قانونی مکتشف و یا

بهره‌بردار در انجام عملیات معدنی در املاک این

دسته از اشخاص حقوقی که در نتیجه بروز این

مشکلات و موانع عملاً فعال معدنی را باوجود داشتن

پروانه معتبر و صرف هزینه‌های سنگین از حق قانونی

انجام عملیات معدنی در محدوده مختصات موضوع

پروانه معدن محروم و به‌شدت متضرر می‌سازد.

در یک نمونه عملی مطرح‌شده در محاکم دادگستری دارنده پروانه بهره‌برداری معدن شن و ماسه علی‌رغم داشتن کلیه شرایط قانونی و ارائه مستندات موضوع قانون در عین استناد به پروانه معتبر بهره‌برداری صادره از طرف سازمان صمت استان ذی‌ربط پیرو طرح تقاضای تخلیه از سوی مالک برخلاف صراحت نص مفاد ماده ۲۲ قانون معادن با نظر مقام محترم قضایی از محل معدن تخلیه و باوجود داشتن پروانه معتبر از امکان هرگونه فعالیت معدنی محروم گردیده است. از طرفی در اقدامی دیگر مالک با طرح دعوی پس از تخلیه محل معدن اجرت‌المثل مثل ایام بهره‌برداری را از دارنده پروانه مطالبه نموده و وضعیت حاضر در شرایطی است که دارنده پروانه در اجرای ماده ۲۲ قبلاً خرید ملک و یا پرداخت اجاره را از مالک تقاضا

را به‌منظور جلوگیری از ممانعت مالک از اجرای عملیات معدنی که از مصادیق جرایم مشهود است و برخورد قانونی با متهم یا متهمان به درخواست وزارت صنایع و معادن به انجام رسانیده و اقدامات لازم را در زمینه رفع مزاحمت و یا ممانعت از حق، از طریق معرفی اشخاص مرتکب به مراجع قضایی مربوط به‌عمل آورند.

باین‌وجود علی‌رغم صراحت ماده ۲۲ و تبصره‌های ذیل آن مجریان عملیات معدنی در مرحله اجرای مفاد آن با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند که مستقیماً ناشی از عدم وجود مقرره لازم درمورد نحوه اجرای مصراحت صدر ماده ۲۲ و عدم اقدام مناسب سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت استان‌ها در جهت دفاع مؤثر از پروانه معدنی صادره و دارنده پروانه و در کنار آن استدلال‌های متفاوت محاکم قضایی از مفهوم ماده مذکور و ترتیب و نحوه انجام مراحل تملک و یا اجاره املاک واقع‌شده در محدوده عملیات معدنی و ایضاً انجام مراحل کارشناسی تقویم ارزش ملک و یا اجاره آن، رسیدگی به دلایل و مستندات مالکیت مالکین همچنین استناد به رویه‌های متفاوت از سوی محاکم قضایی در برخورد با موارد اجرای ماده ۲۲ بر اساس نوع ماده معدنی به‌طور مثال معادن شن و ماسه و از همه مهم‌تر اتخاذ تصمیم و صدور آرای مغایر با مفهوم صریح ماده ۲۲ در مواردی که مالک ملک و یا طرف دعوی دارنده پروانه معدنی اشخاص حقوقی عمومی

می‌شود، مشروط به تسلیم درخواست به وزارت معادن و فلزات قبل از صدور پروانه اکتشاف برای سایرین نسبت به آن‌ها حق تقدم خواهند داشت که در این صورت مواد مکشوفه تا عمق عرفی تبع ملک متعلق به آنان بوده ضمن معافیت از پرداخت حقوق دولتی بر اساس مفاد ماده (۱۰) و بند (۱) شق (الف) ماده مذکور با آن‌ها رفتار خواهد شد.

تبصره ۳ - مأموران انتظامی مکلفند در صورت ممانعت مالک از اجرای عملیات معدنی موضوع این ماده بلافاصله به درخواست وزارت معادن و فلزات طبق مقررات موضوعه رفع ممانعت و مزاحمت نمایند.

تبصره (۱) ماده ۲۲ دامنه شمول الزامات موضوع آن نسبت به املاک در زمان نیاز به حفر کانال و یا تونل زیرزمینی را عمق عرفی تعیین نموده و مازاد بر عمق عرفی را مشمول ماده ۲۲ و پرداخت قیمت و یا اجاره‌بها ندانسته است. تشخیص عمق عرفی در این مورد به کارشناس رسمی دادگستری واگذار شده است.

آنچه درمورد تبصره (۲) ماده ۲۲ اهمیت می‌یابد توجه این نکته است که تنها سنگ‌لاشه ساختمانی و تزئینی و نما را در صورت وقوع آن در عمق عرفی زمین شخصی، ملحق به ملک و موجب حق تقدم و ایجاد اولویت برای مالک دانسته و نسبت به دیگر مصادیق معادن سکوت اختیار نموده است.

تبصره (۳) ماده ۲۲ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران را مکلف نموده تا وظایف قانونی خود



زمین محسوب نشود جزء انفال است.

در یک جمع‌بندی کلی به این نتیجه می‌رسیم که اجرای مفاد ماده ۲۲ قانون معدن به نفع فعالیت معدنی و در جهت رعایت مصالح مکتشفین و بهره‌برداران در عمل با موانع جدی مواجه است که گذر از این موانع جز با وضع مقررات لازم در کنار آیین‌نامه اجرایی قانون معدن و حمایت هرچه بیشتر وزارت صنعت معدن و تجارت و سازمان‌های تابعه استانی از مکتشف و بهره‌بردار و تعامل بهتر و بهینه متولی بخش معدن کشور با سایر دستگاه‌ها و نهادهای عمومی و ایضاً دستگاه قضایی در قالب تشکیل دادگاه‌های تخصصی رسیدگی به دعاوی بخش معدن و تبیین و تعریف معیارهای قانونی اجرای مفاد ماده ۲۲ و اعلام مبانی معیارهای حاکمیتی و اجرایی و فنی تشخیص و اجرای الزامات ماده مذکور و مشخص و معلوم نمودن مرجع رسمی تعیین، تمیز و تشخیص وجود مبانی و معیارهای اجرای ماده امکان‌پذیر نمی‌باشد.

نکته پایانی اینکه مناسب‌ترین راهکاری که می‌تواند

اختلاف‌نظرهای دستگاه اداری و قضایی در استنباط از

مفاد ماده ۲۲ و نحوه اجرای این ماده به‌نحو عام

درمورد ترتیب اعمال مالکیت اشخاص بر عرصه و

خاصاً تسری یا عدم تسری و همچنین حاکمیت

ماده ۲۲ نسبت به معدن واقع در املاک موقوفه و

معدن شن و ماسه و خاک رس را خاتمه بخشد، تهیه

و بررسی طرح استفساریه ماده موصوف در مجلس

محترم شورای اسلامی در این رابطه است که در صورت

اقدام به طرح استفساریه ابهامات موجود مرتفع و

فعالیت معدنی در اراضی موضوع ماده به نفع بخش

معدن و صنایع معدنی تسهیل می‌گردد.

مجمع را دارا نمی‌باشد. از طرفی ماده ۲۲ قانون معدن هیچ‌گاه بعد از تصویب به استناد اصل ۴ قانون اساسی مورد ابطال شورای نگهبان واقع نگردیده و کماکان از لازمیت اجرا برخوردار بوده و بلعکس نظر شورای نگهبان در این رابطه با عنایت به مقدم بودن بر قانون مؤخرالتصویب و لازم‌الاتباع مجمع تشخیص مصلحت نظام از خصوصیت یک قاعده حقوقی قابل استناد و الزام‌آور قانونی بهره‌مند نمی‌باشد.

اجرای ماده ۲۲ قانون معدن درمورد معدنی که در

عرصه املاک موقوفه واقع گردیده‌اند با سختی‌ها و

دشواری‌های خاصی مواجه بوده و در موارد ارجاع

اختلاف ادارات اوقاف با شخص مکتشف و یا بهره‌بردار

و سازمان‌های صنعت معدن و تجارت استان‌ها،

محاکم قضایی استدلال‌های متفاوت و آرای مختلفی

را صادر نموده‌اند.

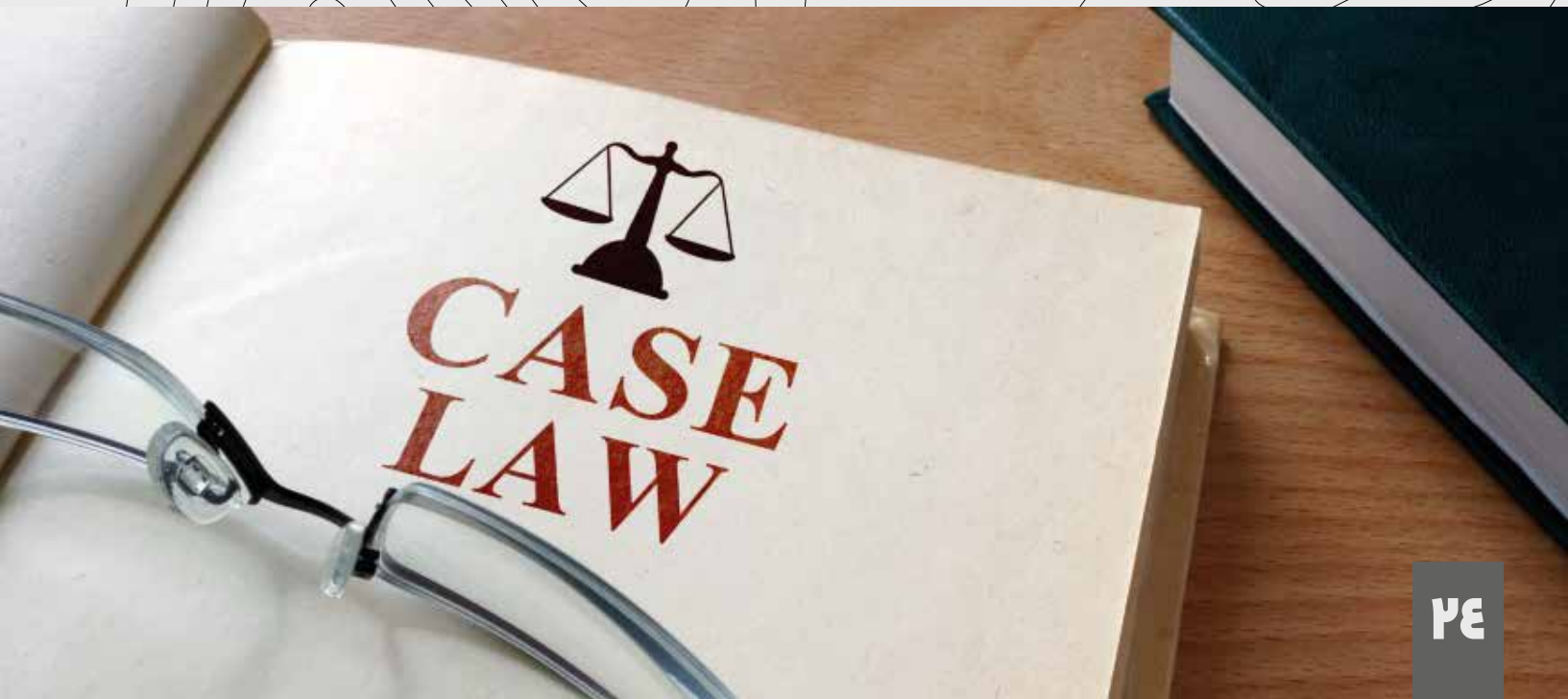
نظریه شورای محترم نگهبان قانون اساسی به شماره ۴۸۵۳-۱۳۷۲/۵/۱۱-۱۱ درمورد معدن سنگ واقع در اراضی موقوفه مشعر بر این نظر است که آن مقدار از معدن سنگ که عرفاً تابع زمین است جزء موقوفه است.

همچنین شورای نگهبان در پاسخ نماینده ولی فقیه در سازمان اوقاف با موضوع انصراف قانون معدن ناظر بر مطلق معدن است یا خیر؟ و ذکر ذخایر معدنی از قبیل سنگ و شن و ماسه بر سبیل تمثیل و ذکر برخی از مصادیق بوده است و یا بر وجه حصر موارد انصراف؟ طی نظریه شماره نظریه ۲۸۷۳/۲۱/۸۰-۱۳۸۰/۱۰/۲۰ مبنی بر آن است که معدن سنگ‌آهک در صورتی که عرفاً تابع زمین به حساب آید حکم زمین را دارد و متعلق به موقوفه است و قانون معدن از آن انصراف دارد و اگر تابع

نموده است و علی‌القاعده باتوجه به حکم آیه ماده ۲۲ مطالبه اجرت‌المثل از سوی مالک در حالتی که فعال معدنی به موجب حکم ماده مذکور صرفاً ملزم به پرداخت بهای کارشناسی و یا اجاره‌بها است فاقد هرگونه توجیه قانونی است.

شایان‌ذکر اینکه تصرفات بهره‌بردار مستند به ماده ۲۲ قانون معدن مصوب سال ۱۳۷۷ مجلس محترم شورای اسلامی است و مهم‌تر آنکه قانون موصوف به دلیل اختلاف نظر حادث بین مجلس محترم شورای اسلامی و شورای نگهبان در زمان بررسی و تصویب خصوصاً اختلاف در موضوع ماده ۲۲ مذکور به تأیید و تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده و به‌عنوان قانون خاص مؤخرالتصویب این مرجع عالی نسبت به تمامی قوانین و مقررات مقدم‌التصویب پیش از خود ناظر و از اولویت و لازمیت اجرا برخوردار است.

لذا نظریه شماره ۸۴۴۴ سال ۱۳۶۶ شورای محترم نگهبان درمورد عدم تسری ماده ۲۲ نسبت به معدن شن و ماسه و خاک رس مشعر بر اینکه به نظر فقهای شورای نگهبان شن و ماسه و خاک رس تابع وضع زمین است که از آن برداشته می‌شوند علی‌هذا اگر در زمین موقوفه یا ملکی باشد متعلق به وقف یا مالک است و جزء انفال نیست و هرگونه تصرف بدون اذن متولی شرعی موقوفه و یا مالک و اخذ وجوه از آن‌ها در این رابطه مشروع نمی‌باشد و تأیید تبصره ۶۶ بر اساس انصراف آن از شن و ماسه و خاک رس زمین‌های موقوفه و ملکی است و علاوه بر آن سایر نظریات مشورتی و غیر الزام‌آور نیز در وضعیتی که مفاد قانون معدن و ماده ۲۲ آن در سال ۱۳۷۷ به‌عنوان مبانی تصرفات بهره‌بردار در محدوده تملکی در قالب قانون مؤخر بعد از اظهار نظر شورای نگهبان به تأیید و تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام به‌عنوان مرجع عالی قانون‌گذاری رسیده است قابلیت تعارض با مصوبه





دکتر مجید پور مقدم

مشاور معاونت امور معادن و فرآوری مواد وزارت صمت

شاخص‌های بالابردن راندمان ایمنی و کاهش سوانح در معادن

جایگاه آموزش در ایمنی معادن:

۳ آموزش و کاهش حوادث: نقش آموزش به‌عنوان محور پیشرفت و تحول در رابطه با کاهش حوادث، دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است.

۴ تدابیر آموزشی در ایمنی: تدابیر آموزشی می‌تواند با استفاده از پوستر، پلاکارد، نصب تابلو، نمایش فیلم، گفتگوها و مسابقات باشد.

۵ مزایا و چالش‌های آموزش و عدم آموزش در ایمنی معادن: آموزش‌های ایمنی موجب ارتقای کار در معدن و بهتر شدن استخراج و تولید مواد معدنی می‌شود و عمده‌ترین مشکلی که ممکن است برای کارگران ایجاد شود، آشنا نبودن با مسائل ایمنی است و نبود نظارت کافی بر فعالیت معدن کاران و غفلت از آموزش کارگران می‌تواند حوادث ناگواری را در بخش معدن رقم بزند.

خطرات و عوامل زیان‌آور در معادن:

کارگران معادن با چالش‌های خاصی از قبیل فعالیت در مناطق پرمخاطره، دورافتاده و در شرایط سخت مواجهند.

۱ منابع تولید گردوغبار در معادن: حفاری ماشین‌های برش و بارگیری، آتشباری و انفجار، بارگیری و انتقال مواد معدنی، حمل‌ونقل مواد معدنی و سنگ‌ها، کانه‌آرایی و تغلیظ مواد معدنی

در ایران هیچ‌گونه آموزشی که منجر به اخذ مدرک

کارشناسی و کارشناسی‌ارشد در زمینه ایمنی و

بهداشت معادن گردد، وجود ندارد؛ لذا افراد شاغل

در زمینه ایمنی، اغلب دارای تحصیلات و تخصص مرتبط نمی‌باشند، دانش کار در معادن در حال ازدست‌رفتن است و دلیل آن بازنشسته شدن افراد باتجربه است که باید تجربه کاری آنان به کارگران جدید منتقل یابد.

۱ آموزش و نظام‌مهندسی: در صورتی که سازمان نظام‌مهندسی طرحی مصوب کند که هیچ کارگر معدنی بدون آموزش به معدن ورود پیدا نکند، کارگران موظف می‌شوند قبل از آغاز کار خود در معادن، دوره‌های آموزشی را سپری کنند.

۲ آموزش و بهداشت: آموزش در راستای اهداف بهداشت حرفه‌ای، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، چراکه آموزش صحیح، سطح آگاهی افراد را بالاتر برده و فرهنگ ایمنی در بهداشت را بین کارگران باز می‌کند، طبیعی است که کارگر هرچقدر نسبت به ایمنی و مسائل مربوط به آن، آگاهی داشته باشد، کمتر ارتکاب به اعمال غیر ایمن می‌کند و هم چنین افراد دیگر را نیز از انجام آن منصرف می‌کند.

دلایل اصلی بالا بودن راندمان ایمنی در معادن، استفاده از دو عامل فناوری‌های روز دنیا و نیروهای متخصص است و دلیل پایین بودن میزان ایمنی در معادن، استفاده از روش‌های سنتی و قدیمی است، کارشناسان عمده‌ترین علت مرگ معدنچیان در معادن زیرزمینی را سیستم قدیمی استخراج، بی‌احتیاطی کارگران، فقدان نظارت کافی در معادن، انفجار گاز متان و ریزش در تونل‌ها می‌دانند و در معادن روباز سهل‌انگاری‌ها، عدم آموزش‌های اولیه و غیره که منجر به سقوط از ارتفاع، پرتاب سنگ و ریزش دیواره‌های معدن می‌شود از مهم‌ترین عوامل مرگ معدنچیان است، همچنین بیشترین آمار حوادث مربوط به معادن زغال‌سنگ و سنگ‌های

تزیینی است؛ لذا در این راستا، گزارشی اجمالی در

خصوص ایمنی در معادن با محوریت جایگاه

آموزش در ایمنی، خطرات و عوامل زیان‌آور در

معادن، نقش تجهیزات در ایمنی معادن، نقش

طراحی فنی معادن در ایمنی، جایگاه نظارت بر

ایمنی معادن، قوانین و آئین‌نامه‌های ایمنی معادن،

راهکارها و پیشنهادها برای افزایش راندمان ایمنی در

معادن آورده شده است.

هر نقطه‌ای که حفاری شده باشد، وجود دارد.

۱۰ میزان ریسک حوادث معدن: نتایج حاصل از بروز یک حادثه، میزان خسارتی است که در نتیجه بروز آن وارد می‌شود؛ بنابراین نتایج حاصل از بروز یک حادثه، نشان‌دهنده میزان ریسک است.

۱۱ پله ایمنی: به آن بخش از پله‌ای که به دلایل ایمنی در دیواره‌های نهایی به‌جای گذاشته می‌شود پله ایمنی می‌گویند که به دو منظور در دیواره نهایی به‌جای گذاشته می‌شود:

الف) جمع‌آوری قطعه‌سنگ‌هایی که از پله فوقانی سقوط می‌کنند.

ب) جلوگیری از سقوط سنگ‌ها به افق پایین‌تر.

۱۲ جلوگیری از عبور و مرور کامیون‌های مواد معدنی بدون حفاظ ایمنی در جاده‌ها

نقش تجهیزات در ایمنی معدن:

بدون شک هر کشور در داشتن یک نوع ماده معدنی شاخص است و در نتیجه در آن معدن دارای فناوری‌های به‌روزتری نسبت به کشورهایی که ذخایر پراکنده دارند، هستند، در واقع استفاده از این نکته معدن‌کاران کشور را در امر واردات تجهیزات ایمنی مناسب، استاندارد و کارآمد کمک خواهد کرد.

۱) نقش، ماشین‌آلات و تجهیزات استاندارد در ایمنی معدن: متأسفانه بسیاری ماشین‌آلات معدنی از کیفیت و استانداردهای لازم برخوردار نیستند و این موضوع به‌طور مستقیم بر کاهش ایمنی معدن تأثیرگذار بوده است، در حال حاضر اکثریت ماشین‌آلات و تجهیزاتی که در معدن زغال‌سنگ استفاده می‌شوند، کهنه و فرسوده و

استهلاک، صدمه دیدن افراد و تأسیسات هنگام بازکردن سینه‌کار جدید به‌وسیله آتشباری در اثر پرتاب سنگ، آسیب‌دیدن و واژگونی ماشین‌آلات حمل‌تربلی به هنگام بارگیری از دیو، رهاشدن غیرمنتظره کوپ سنگ در جهت لایه‌بندی در مواقعی که موجب سرخوردن و رهاشدن کوپ سنگ می‌گردد، برق‌گرفتگی ناشی از کابل‌های فرسوده اشاره نمود.

۶) مقایسه آلاینده‌گی معدن زیرزمینی غیر از زغال‌سنگ: آلاینده‌گی معدن زیرزمینی فقط محدود به معدن زغال‌سنگ نیست؛ مواد معدنی فلزی همچون کرومیت، سرب و روی، منگنز، مس، مواد نادر و نمک در صورتی که استخراج ماده معدنی به‌صورت تونلی باشد هم جزء معدن‌دارای آلاینده‌گی هستند.

۷) وضعیت ایمنی در معادن اورانوم: یک معدن زیرزمینی اورانوم، علاوه بر خطرات عمومی از قبیل ریزش، انفجار، آسیب‌رسانی ماشین‌آلات و غیره خطرات دیگری هم دارد که از آلودگی ناشی از تشعشعات زون‌های اکتیو، گردوغبار حامل ذرات اکتیو سنگ معدن، تشعشعات حامل ذرات اکتیو سنگ معدن و تشعشعات حاصله از گازهای اکتیو انجام می‌گیرد.

۸) نسبت ایمنی با حفاری در عمق‌های زیاد: در برخی معدن که عملیات بهره‌برداری به‌صورت زیرزمینی و در عمق‌های زیاد انجام می‌گیرد ضریب حوادث نیز افزایش می‌یابد که این موضوع منجر به تخریب و نابودی ذخایر معدن می‌شود.

۹) نقطه شروع خطرات ایمنی در معدن: خطرات ایمنی و احتمال ریزش دیواره در معدن در

به طریقه خشک، آلاینده‌های منتشرشده از دیو مواد باطله.

۲) عوامل زیان‌آور در معدن که به دو گروه تقسیم می‌شوند:

عوامل فیزیکی: سروصدا، گرما، رطوبت، ارتعاش، تاریکی، برق، حرارت و پرتوهای الکتریکی.

عوامل شیمیایی: گاز، بخار و ذرات معلق در هوا. نکته: صدا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل زیان‌آور محیط کار همواره سلامت کارگران در محیط‌های صنعتی را تحت‌تأثیر قرار داده و اغلب کاهش شنوایی و یا بروز حوادث گوناگون را در پی دارد.

۳) قدرت انفجاری دینامیت و باروت: دینامیت و باروت هر دو از مواد ناربه هستند ولیکن قدرت و ایمنی دینامیت بالاتر از باروت است.

۴) وضعیت ایمنی در معدن زغال‌سنگ: معدن زغال‌سنگ از معدن مخاطره‌آمیز در سطح جهان محسوب می‌شوند و وضعیت ایمنی در معدن زغال‌سنگ باتوجه به گاز خیزی بالا و احتمال بروز حوادث و انفجار از اهمیت بالایی برخوردار است.

نکته: عمده مسائل ایمنی موجود در معدن زغال‌سنگ، فرسودگی ماشین‌آلات و فقدان نظارت است.

۵) وضعیت ایمنی موجود در معدن سنگ تزئینی و کارگاه‌های سنگ‌بری: کارگاه‌های سنگ‌بری نیز آلودگی صوتی و زیست‌محیطی بالایی دارند، همچنین در معدن سنگ یکی از نقاط حادثه‌خیز، ارتفاع و شیب زیاد سینه‌کار معدنی است.

نکته: از انواع حادثه در معدن سنگ‌های تزئینی می‌توان به پاره‌شدن سیم برش الماسه در اثر



مستهلک هستند و از نظر فنی و استاندارد ایمنی، برای استفاده در این گونه معادن مجاز نیستند.

(۲) کاستی‌های زیرساختی تجهیزات در معادن: کاستی‌های زیرساختی برای تأمین کارگران در معادن زیرزمینی بیشتر مربوط به طراحی معدن است که در آن راه‌های فرار از خطر، تهویه، نجات در مواقع اضطراری و غیره پیش‌بینی نشده است، از دیگر موارد مهم در این بخش ماشین‌آلات و تجهیزات نامناسب در معادن زیرزمینی است.

(۳) الزام کارکنان معدن در استفاده کردن از تجهیزات ایمنی: الزام کارگران به استفاده کردن از تجهیزات حفاظت فردی متناسب با نوع کار مخصوصاً کفش، کلاه، دستکش حفاظتی، عینک و ماسک بسیار حایز اهمیت است و تحویل وسایل ایمنی نیازمند اخذ رسید از کارگران معدن است.

نقش طراحی فنی معادن در ایمنی:

طراحی نامناسب در معادن روباز که شامل انتخاب شیب، ارتفاع و عرض پله‌ها است در ایمنی معادن اهمیت بالایی پیدا می‌کند؛ در صورتی که در طراحی معادن زیرزمینی خطایی رخ داده باشد شاهد اتفاقات ناگواری در بخش نیروی انسانی خواهیم بود، علاوه بر خسارات جانی، ریزش دیواره‌ی تونل‌ها می‌تواند هزینه بسیار زیادی را به بهره‌بردار تحمیل کند. به‌طور مثال در معدن سرب و روی انگوران که طراحی نامناسب شیب و ارتفاع پله‌ها در این معدن سبب ریزش‌های متعدد دیواره‌های معدن شد و به دنبال آن حجم باطله برداری‌ها به‌طور چشمگیری افزایش یافت و در نهایت سبب پایین آوردن عیار ماده معدنی به شکل قابل‌توجهی شد.

(۱) طراحی معادن جهت بالابردن راندمان ایمنی در معادن: با انجام طراحی مناسب فنی و ایمنی معادن می‌توانیم از تخریب و تضييع ذخایر معدن و خسارت‌های واردشده به منابع طبیعی، محیط‌زیست جلوگیری کنیم و حتی توجیه اقتصادی - فنی معدن را هم انجام دهیم، طراحی در معادن شامل کلیه مسائل زیست‌محیطی، تخلیه باطله‌ها، منابع طبیعی، راه‌های دسترسی و غیره است و در صورت عدم طراحی فنی و ایمنی مناسب برای معدن می‌توان پیش‌بینی کرد که معدن‌کار به نقطه‌ای می‌رسد که دیگر ذخیره کافی برای استخراج وجود نداشته باشد و از سویی دیگر هزینه باطله برداری و خاک‌برداری سیلیس انجام شود.

(۲) مقایسه طراحی معادن روباز و زیرزمینی: طراحی در معادن روباز از پیچیدگی کمتر نسبت به معادن زیرزمینی برخوردار است، در طراحی معادن زیرزمینی در صورتی که حجم باطله از ماده معدنی بیشتر باشد حجم سرمایه‌گذاری و زمان بازگشت سرمایه افزایش می‌یابد؛ البته ذکر این نکته ضروری است که این عامل با قیمت فروش ماده معدنی رابطه مستقیمی دارد و در صورتی که ارزش ماده معدنی بالا باشد حتی مقادیر بالای این نسبت نیز قابل‌توجه به‌لحاظ اقتصادی خواهد بود.

(۳) عامل ضریب ایمنی مناسب در معادن: تعیین شیب پایدار و بهینه یکی از مراحل اولیه و مهم در طراحی معادن روباز است، در تعیین شیب پایدار در یک معدن روباز مهم‌ترین عامل ضریب ایمنی مناسب است.

(۴) کشورهای موفق جهان در طراحی معادن و مقایسه آن‌ها با ایران: کشورهایی مانند روسیه،

چین، اوکراین، آمریکا و کانادا دارای معادن بزرگی هستند که در زمینه طراحی معادن عملکرد موفق داشته‌اند؛ اما در کشور ما در سال‌های اخیر عمده معادن روباز بوده‌اند و به همین دلیل تجربه کافی در طراحی و استخراج زیرزمینی نداریم.

(۵) روش تعیین ضریب ایمنی: برای تعیین ضریب ایمنی شیب پایدار در یک معدن روباز از نرم افزار FLAC استفاده می‌کنند؛ به‌عنوان مثال ضریب ایمنی و شیب پایداری مخصوصاً برای معدن سونگون اهر با دیواره نهایی به ارتفاع حدوداً ۷۰۰ متر، قابل‌استفاده است.

جایگاه نظارت بر ایمنی معادن:

نظارت اقدامی حاکمیتی است که از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان‌های ذی‌ربط انجام می‌شود، این نظارت‌ها بایستی مؤثر بر اجرای مقررات و آئین‌نامه‌های ایمنی و حفاظتی باشد، تخریب محیط‌زیست و آلاینده‌ها، تخریب منابع طبیعی، تضييع ذخایر معدنی و عدم حضور مسئولین ایمنی و فنی در معادن و حتی عدم وجود قرارداد با مسئولین فنی مذکور توسط بعضی از معدن‌کاران، از نبود نظارت کافی بر فعالیت معدن‌داران است؛ لذا در بخش ایمنی معادن باید نظارت و سخت‌گیری‌های لازم بر اساس قوانین انجام شود.

نکته ۱: همیشه یک نسخه کلی برای پیشگیری و

کاهش حوادث در معادن امکان‌پذیر نمی‌باشد،

چراکه شرایط متفاوت و فاکتورهای متعدد در

موقعیت‌های مختلف اثر گذارند.



سال ۲۰۰۶ در دهه انفجار، ریزش و سایر حوادث در چین کشته شدند.

(۲) فرانسه: در سال ۱۹۰۶ مرگبارترین حادثه در تاریخ اروپا در کوری ره فرانسه رخ داد، در این حادثه ۱۰۹۹ نفر در شمال فرانسه جان خود را از دست دادند.

(۳) آفریقای جنوبی: بزرگترین حادثه معدنی در آفریقای جنوبی در نوع خود بزرگترین حوادث استخراج معدن دنیا محسوب می‌شود، در سال ۱۹۶۰ در سقوط یک صخره بزرگ در معدن کال بروک فورشتا، ۴۲۷ کارگر معدن گرفتار شدند که اغلب با استنشاق گاز سمی جان خود را از دست دادند.

راهکارها و پیشنهادهای افزایش راندمان ایمنی در

معدن:

(۱) توصیه بهداشتی: جهت کاهش صدمات ناشی از تماس کارکنان با گردوغبار، حداقل در یکی از وعده‌های غذایی، روزانه کارکنان، شیر یا ماست گنجانده شود.

(۲) اجرای طرح مانیتورینگ: اجرای طرح مانیتورینگ جهت کاهش بیش‌ازپیش حوادث، مخصوصاً در معدن زغال‌سنگ ضروریست.

(۳) ارائه طرح‌های ایمنی: در زمان صدور مجوزهای معدنی، طرح ایمنی معدنی تهیه و از بهره‌برداران و پیمانکاران معدن تضمین‌های لازم مبنی بر رعایت اصول و ضوابط ایمنی و هم چنین اجرای آن‌ها در مدت بهره‌برداری معدن اخذ گردد.

(۴) افراد باتجربه: به‌کارگیری افراد آموزش‌دیده و استفاده نکردن از کارگران فاقد تجربه و مهارت کافی.

(۵) استفاده از تجهیزات: الزام کردن کارگران به استفاده از تجهیزات حفاظت فردی متناسب با نوع کار، مخصوصاً کفش، کلاه و دستکش حفاظتی و اخذ رسید از کارکنان.

(۶) نظارت: نظارت لازم و مؤثر کارفرما بر اجرای مقررات و آئین‌نامه‌های ایمنی و حفاظتی.

(۷) رفتار ایمنی: یکی از مهم‌ترین اصول در جلوگیری از حوادث ناشی از کار، لزوم تقویت رفتارهای ایمنی در بین کارکنان معدن است.

(۸) کنوانسیون (ILO): عضویت ایران در کنوانسیون بین‌المللی ایمنی (ILO) جهت امکان حفاظت کامل از منابع ملی.

(۹) بهترین راهکارهای ایمن‌سازی در معدن: به‌کارگیری مشاوران خارجی و باتجربه، یادگیری دانش روز کشورهای معدن خیز و واردکردن ماشین‌آلات و تجهیزات پیشرفته که توان ساخت آن‌ها، به‌وسیله صنعتگران داخل وجود ندارد.

قانون معدن مواد قانونی ایمنی شامل ایمنی و

محیط زیست است.

(۱) تبصره ۵ ماده ۱۲ قانون اصلاح قانون معدن: بهره‌برداران معدنی که در جهت بهره‌برداری بهینه و صیانت از ذخایر معدنی، ارتقای بهره‌وری و تحقیق و توسعه و اکتشاف و حفظ محیط‌زیست در معدن مربوط اقدام نمایند، با تأیید شورای عالی معدن از پرداخت حداکثر تا ۲۰ درصد حقوق دولتی معاف هستند.

(۲) ماده ۱۰۰ آئین‌نامه اجرایی قانون معدن: در اجرای تعهدات و تکالیف دارندگان پروانه عملیات، وزارت بر اساس قانون و آئین‌نامه و دستورالعمل‌های صادره بر انجام عملیات معدنی نظارت خواهد نمود، امر نظارت بر عملیات معدنی شامل امور نظارتی است که منجر به سلامت و بهداشت و ایمنی کارگران و کارمندان معدن، رعایت طرح مصوب، انجام تعهدات دارنده پروانه عملیات، کنترل عملکرد مسئول فنی، حفظ و صیانت از ذخایر معدنی، بهره‌برداری بهینه از ذخایر معدنی و سایر مواردی که موجب حسن اجرای قانون و آئین‌نامه و هم چنین رعایت ایمنی و حفاظت در معدن می‌شود.

(۳) قوانین و مقررات ایمنی شاخص در آئین‌نامه اجرایی قانون معدن: ماده‌های ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵ و ۱۰۶ و تبصره‌های این مواد در آئین‌نامه اجرایی قانون معدن.

(۴) آئین‌نامه ایمنی در معدن: آئین‌نامه ایمنی در معدن در سال ۱۳۸۹ توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که شامل ۱۳ فصل است به تصویب رساند:

شامل: راه‌های معدن، ماشین‌آلات معدنی بارگیری، باربری، حفاری، نوار نقاله (باربری) دستی، ریلی، دیزلی، کامیون (حفاری استخراجی و اکتشافی، نگهداری، مواد آتشبار) حمل‌ونقل، عملیات آتشباری معدن زغال‌سنگ، تهویه، روشنایی، تأسیسات برق، آتش‌سوزی و انفجار و کمک‌های اولیه و نجات.

(۵) رعایت استانداردهای ایمنی: ضمانت اجرایی لازم برای رعایت استانداردهای ایمنی در معدن وجود ندارد؛ لذا باید با دستورالعمل‌های جدید و پیش‌بینی جریمه، استانداردهای ایمنی را در معدن اعمال و معدن‌کاران را به اجرای آن‌ها ملزم کرد و رعایت استانداردهای ایمنی نیاز به فرهنگ‌سازی داشته و یکی از وظایف سازمان نظام‌مهندسی معدن، نظارت بر رعایت استانداردهای ایمنی در معدن است.

بیشترین سوانح در بین معدن کشورهای جهان:

(۱) چین: بدترین حادثه معدنی که در تاریخ جهان به‌ثبت رسیده، ۴۷۴۹ معدنچی زغال‌سنگ در

کنه ۲: مسئولین ایمنی در معدن، باید گزارش‌های

مربوط به ایمنی را به‌صورت روزانه، هفتگی و ماهانه

در اختیار وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان

نظام‌مهندسی معدن قرار دهند.

(۱) ماده ۱۰۳ آئین‌نامه اجرایی قانون معدن:

دارنده مجوز عملیات معدنی و صنایع معدنی موظف است مفاد آئین‌نامه ایمنی معدن و سایر دستورالعمل‌های مرتبط با ایمنی، بهداشت و ضوابط زیست‌محیطی را رعایت کند.

(۲) ماده ۱۰۴ آئین‌نامه اجرایی قانون معدن: در معدنی که دارای حداقل ۲۵ نفر کارگر باشند، باید یک نفر ذی‌صلاح به‌عنوان مسئول ایمنی و یک نفر به‌عنوان مسئول بهداشت حرفه‌ای تعیین شود، در معدنی که کمتر از ۲۵ نفر کارگر دارند، این مسئولیت به‌عهده اشخاص دارای مجوز صلاحیت نظام‌مهندسی معدن و یا سرپرست معدن است.

تبصره: وجود مسئول ایمنی و یا مسئول فنی عملیات معدنی و صنایع معدنی رافع مسئولیت‌های قانونی دارنده مجوز نخواهد بود.

(۳) وظایف ناظران بر ایمنی معدن: بررسی تعطیلی معدن، عدم حضور مسئولین فنی و ایمنی در محل معدن، انجام عملیات در چارچوب طرح مصوب و رعایت مسائل ایمنی و فنی از وظایف ناظران بر ایمنی معدن است و بهره‌بردارانی که به هر دلیلی اصول ایمنی را رعایت نکنند؛ پس از تذکر، در صورت عدم رعایت موارد ایمنی سلب صلاحیت می‌شوند.

(۴) پیشنهاد تهیه و ارائه طرح ایمنی: در زمان صدور مجوزهای معدنی، طرح ایمنی معدن تهیه و از بهره‌برداران و پیمانکاران معدن، تضمین‌های لازم مبنی بر رعایت اصول و ضوابط ایمنی و هم چنین اجرای آن‌ها در مدت بهره‌برداری معدن اخذ گردد.

(۵) محورهای اصلی تخلفات در معدن: در معدن تخلفات حول سه محور: اضافه برداشت‌ها، رعایت نکردن اصول فنی و فراهم نکردن شرایط ایمنی هستند.

(۶) تشکیل کمیته‌های نظارت:

الف) تشکیل کمیته نظارت به‌منظور حمایت از ایمنی معدن مخصوصاً معدن زغال‌سنگ کشور.

ب) تشکیل شورای عالی HSEE با رویکرد پیش‌بینی و پیشگیری از پیامدهای حوزه بهداشت، ایمنی، محیط‌زیست و انرژی معدن و امور وابسته.

قوانین و آئین‌نامه‌های ایمنی معدن:

در قانون معدن به استانداردهای ایمنی کار در

معدن اشاره نشده؛ اما دستورالعمل و آئین‌نامه‌هایی

در این زمینه صادر شده است، در آئین‌نامه اجرایی



دکتر محمود اولیایی

رئیس کمیسیون مسئولیت اجتماعی و حاکمیت شرکتی
اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی ایران

ضرورت مشارکت‌های بین‌بخشی و ذی‌نفع‌گرایی برای حل

چالش‌های اجتماعی

موردنظر هم‌افزایی ایجاد کرد. به‌منظور حرکت در چنین مسیری، لازم است که دو واقعیت مهم زیر به‌عنوان پیش‌نیاز هرگونه برنامه‌ریزی و اقدام بخش خصوصی برای ایفای مؤثر مسئولیت اجتماعی موردتوجه قرار گرفته و فراهم شوند.

نخست؛ بدون شک تفکر سیستمی و تفکر راهبردی

دو ستون اصلی برای مدیریت پدیده‌های پیچیده و با

بحران‌های ملی می‌باشند. تجربه‌ی دهه‌های اخیر

در برخورد با بحران‌های ایجاد شده در کشور همچون حوادث غیرمترقبه اعم از سیل، زلزله و یا بعضاً نارضایتی‌های اجتماعی (فارغ از قرار گرفتن آن در دسته‌ی مشکلات پیچیده و یا بحرانی)، حاکی از این واقعیت است که تمرکز جامعه‌ی ایران اعم از نظام حاکمیتی، بخش خصوصی، نهادهای مردمی و آحاد ملت بر تلاش برای سروسامان دادن مسائل در حین مشکل یا بحران است و سیستمی که هم‌زمان با تعریف اقدامات در هنگام بروز مشکلات پیچیده یا بحران با نگاهی راهبردی به طرح‌ریزی اقدامات لازم برای مدیریت ریسک‌ها و عارضه‌های پس از فرونشاندن کانون آن پدیده بپردازد، وجود ندارد. همه‌ی کمک‌های خودجوش مردمی و یا حضور مستمر و مداوم دولتمردان در هنگام وقایعی همچون سیل و زلزله در ماه‌های اول و فراموشی عوارض و عواقب این اتفاقات ناگوار بر مردم

پایدار، عدم آموزش صنایع برای مدیریت علمی در جهت کنترل اثرات مخرب بر جامعه و غیره، موجب گردیده تا کشور ما در سال‌های اخیر به‌جز در بخش امور خیریه و مبارزه با آسیب‌های اجتماعی، در سایر حوزه‌های مسئولیت اجتماعی از جوامع توسعه‌یافته و درحال توسعه عقب بماند. هنگامی که شرایط خاص فعلی و آسیب‌های اجتماعی ناشی از شرایط اقتصادی کشور را نیز در کنار روندهای قبلی قرار دهیم، بدون شک می‌توان نتیجه گرفت توجه به مسئولیت اجتماعی شرکتی و یا به‌اختصار CSR، در این برهه از زمان به یکی از ضروری‌ترین موضوعات ملی تبدیل شده و مسئولیت‌سنگینی را بر دوش مدیران بخش دولتی و خصوصی قرار می‌دهد. در صورتی که قصد بر این باشد که دعوت از بخش خصوصی به ایفای مسئولیت‌های اجتماعی خود فراتر از اقدامات مقطعی، جزیره‌ای و صرفاً خیریه‌ای صورت گیرد؛ لازم است که جایگاه این بخش به‌عنوان یکی از بازیگران عرصه‌ی توسعه‌ی پایدار کشور به رسمیت شناخته شود. این مهم بدان معناست که ترسیم بستر یکپارچه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی در کشور، منجر به جایگاه‌یابی صحیحی دربارہ حضور هر یک از بازیگران این عرصه گردد؛ تا بتوان متناسب با مأموریت هر یک از آن‌ها، تجمیع منابع و قابلیت‌ها را به‌صورت مؤثر دنبال کرده و در حصول به تأثیرات

رخدادهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دهه‌های اخیر همچون افزایش شکاف طبقاتی به ویژه در میان جوامع درحال توسعه و یا توسعه‌یافته با سایر جوامع، روبرو شدن با شیوع گسترده بیماری کرونا، پیدایش و رشد بیماری‌های خاص و نادر همچون ایدز، محرومیت بسیاری از مردم دنیا از غذا، بهداشت و آموزش، تخریب میراث‌فرهنگی و جنگ‌های خانمان‌سوز در کنار اثرات مخرب صنایع بر جوامع محلی، ملی و بین‌المللی همچون تولید گازهای گلخانه‌ای و تخریب محیط‌زیست موجب گردیده تا موضوع «مسئولیت اجتماعی شرکتی» در نزد صاحب‌نظران حوزه‌های مدیریت، اقتصاد، علوم اجتماعی و مدیران صنایع در کشورهای مختلف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردد.

در ایران نیز تجار و صاحبان مال و ثروت، کمک به هم‌نوعان را از سال‌های پیش به‌عنوان تکالیف دینی و ملی تلقی کرده‌اند؛ لذا این بخش از حوزه‌ی مسئولیت اجتماعی در کشور پیشینه‌ی تاریخی و البته خودجوش و غیرسیستماتیک دارد؛ اما آنچه امروزه اهمیت این موضوع را برای صاحبان سرمایه و کسب‌وکار در میهن عزیزمان دوچندان می‌نماید، بی‌توجهی و یا کم‌توجهی به شاخه‌های دیگر مسئولیت اجتماعی با تأکید بر توسعه‌ی پایدار جوامع است. دلایل متعددی همچون جنگ تحمیلی، نبود استراتژی‌های مشخص برای توسعه‌ی

می‌شود؛ سپس با اتخاذ رویکرد بین‌بخشی، میزان مسئولیت، قدرت و حوزه نفوذ هر یک از ذی‌نفعان کلیدی برای پرداختن به چالش‌های اجتماعی که شرکت‌های فعال در بخش معدن و صنایع معدنی با آن‌ها مواجه هستند، تعیین می‌گردد. در این حالت هم با ایجاد فضای تعامل و گفتگو و هم با تکیه بر ابزارهای تسهیلگری سازمانی و اجتماعی، می‌توان بر ایجاد شفافیت در انتظارات و مسئولیت‌های طرفین در قبال هم تکیه کرد.

اتخاذ چنین رویکردی این اطمینان را به بخش خصوصی نیز می‌دهد که علاوه بر مدیریت مسئولیت‌های سنگین اقتصادی خود در شرایط کنونی کشور، احتمالاً پوشش دادن ناکارآمدی عملکرد سایر بازیگران در عرصه توسعه پایدار بر دوش این بخش گذاشته نمی‌شود؛ بلکه ورود به عرصه مسئولیت اجتماعی شرکتی، برای مدیریت آثار اجتماعی و محیط‌زیستی فعالیت‌های بخش اقتصادی و با هدف مدیریت ریسک‌های اجتماعی، محیط‌زیستی و اقتصادی در سطح کلان و منطقه‌ای در کشور دنبال می‌شود. این رویکرد هم برای فعالان اقتصادی و هم برای جامعه دارای منافع ماندگار و متقابل است.

امید است که سیاست‌گذاران، مدیران بخش

خصوصی و فعالان عرصه اجتماعی با همدلی،

کنار گذاشتن اختلاف جناحی و پذیرش نقد و تفکر

سازنده، اهتمام جدی برای پرداختن به بحران‌های

جاری کشور در عرصه اجتماعی ورزند. باشد که

بیش از این شاهد تعمیق گسست اجتماعی و تبعات

و آثار زیان‌بار آن در سایر عرصه‌ها به‌ویژه پشتوانه و

توان اقتصادی کشور نباشیم.

حوزه معدن و صنایع معدنی به‌عنوان یکی از مولدترین و زیربنایی‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور نیز درگیر چالش‌های فوق‌الذکر در زمینه توسعه اقتصادی - اجتماعی است. فعالان این بخش با انتظارات، درخواست‌ها و حتی فشارهای مختلفی از جانب ذی‌نفعان مختلف مواجه هستند. در این عرصه علاوه بر مسئولیت‌های اقتصادی، مسئولیت‌های محیط‌زیستی و اجتماعی نیز بر دوش کارفرمایان قرار می‌گیرد. یکی از دسته‌های اصلی انتظارات و فشارهای روزافزون در سال‌های اخیر، از سوی جوامع محلی بوده است. از یک سو مواردی چون اشتغال، بهبود شرایط زندگی در روستاها و سکونتگاه‌ها و انواع چالش‌های مرتبط با مالکیت مادی و معنوی به‌عنوان دغدغه‌های جامعه محلی مطرح هستند؛ و از سوی دیگر شرایط اصولی در اکتشاف، آماده‌سازی، بهره‌برداری و بازسازی، همگی بر تداوم‌پذیری زیست انسانی و طبیعی در مناطق فعالیت معدن کاران مؤثرند.

باتکیه بر توضیحاتی که در ابتدای این بحث درباره‌ی لزوم داشتن تفکر سیستمی و رویکرد بین‌بخشی

ارائه شد؛ می‌توان اتخاذ رویکرد ذی‌نفع‌گرایی را

یکی از مهم‌ترین نیازهای کنونی بخش معدن و

صنایع معدنی در کشور دانست. در این حالت،

ذی‌نفعان و فعالان کلیدی در این بخش شناسایی شده و مسئولیت‌ها، اختیارات و حوزه نفوذ هر یک تعیین می‌شود. در ترسیم نقشه‌ی ذی‌نفعان و تعاملات آن‌ها با یکدیگر، با استفاده از رویکرد تفکر و مدیریت سیستمی جایگاه هر یک از ذی‌نفعان شامل بخش خصوصی، سازمان‌های دولتی، تشکله‌ها، اصناف، نهادهای عمومی، جامعه‌ی محلی، رسانه‌ها و سازمان‌های علمی - پژوهشی و غیره، تعیین

آسیب‌دیده و نظام اجتماعی مناطق تحت‌تأثیر بعد از فروکش کردن کانون مشکل یا بحران، تقریباً در نظام راهبری کشور ما و حتی بخش سازمان‌های مردم‌نهاد به امری عادی بدل گشته است. این نوع نگاه و عملکرد به بحران‌های جاری در کشور، در مواجهه با بحران پیچیده و تجربه نشده‌ی شیوع بیماری کرونا نیز تکرار شده است.

دوم؛ چالش‌ها و مسائل بحرانی کنونی کشور،

عموماً مسائلی بین‌حوزه‌ای و بین‌بخشی محسوب

می‌شوند که پرداختن به آن‌ها و تلاش برای مدیریت

آثار و تبعات منفی‌شان، از عهده‌ی یک ارگان یا یک

بخش مشخص خارج است. مسائلی چون عدم

تعادل منطقه‌ای در توسعه‌ی کشور، فساد، آب، تخریب گسترده‌ی سرمایه‌های طبیعی، کاهش سرمایه و اعتماد اجتماعی، افزایش خشونت، تنزل اخلاق و ارزش‌های اجتماعی و غیره، همگی از جمله عواملی هستند که می‌توان به‌سادگی ردپای گسترده‌ی اثرات و تبعات آن‌ها را در جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی دید. حتی این مسائل در بستری سیستمی با یکدیگر دارای تأثیرات متقابل بوده و تقویت‌کننده هم محسوب می‌شوند؛ به‌عنوان نمونه، بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهند که در مدیریت منابع آب و بهره‌برداری از منابع طبیعی کشور، وجود فساد در برخی از لایه‌های ارگان‌های دولتی منجر به تخطی از قانون و تخریب منابع طبیعی شده است. این نوع عملکرد به‌نوبه‌ی خود بر اعتماد اجتماعی نسبت به تعهد و پایبندی فعالان عرصه‌ی عمومی و دولتی به قانون لطمه زده و در کاهش ارزش‌های اخلاقی در مرادوات اجتماعی مؤثر بوده است.





دکتر کورش شعبانی

رئیس کمیته اکتشاف و کمیته همایت خانه معدن ایران

بررسی و تحلیلی بر تبصره ۲ و ۳ ماده ۵ قانون معادن

موضوع می‌بایست یک سازوکار استانداردسازی اطلاعات را داشته باشیم که هر کدام از سازمان‌ها را موظف به عمل در آن چارچوب کند؛ به‌عنوان مثال پهنه‌ها در چند سال اخیر در اختیار مکتشفین قرار گرفته است؛ ولی از ابتدا استاندارد برای تهیه اطلاعات پایه در اختیار مجری‌های آن پهنه قرار نگرفته است و البته به‌نوعی هیچ‌گونه نظارت اصولی هم صورت نگرفته است و اطلاعات پایه به‌دست‌آمده از پهنه‌ها نتوانست به‌اندازه کافی مؤثر باشد و صددرصد مورد تأیید قرار بگیرد؛ به‌دلیل عدم نظارت کافی و جز به‌جز از ابتدا استاندارد و طرح مشخص و مصوبی برای تهیه اطلاعات پایه در اختیار بهره‌بردار و مکتشف پهنه قرار نگرفت و ضرورت دارد اطلاعات با استاندارد تهیه شود که در آینده بتواند بخشی از اطلاعات پایه ما را تأمین نماید.

جمع‌بندی و پیشنهاد:

تبصره ۲: پیشنهاد می‌شود؛ در صورتی که سازمان‌های توسعه‌ای بخواهند کار اکتشافی انجام دهند با سازمان زمین‌شناسی هماهنگی‌های بیشتری داشته باشند؛ در واقع سازمان زمین‌شناسی مجری اولیه باشد تا استانداردسازی‌ها را انجام دهد و در نهایت اطلاعات را جمع‌بندی، دسته‌بندی و نگهداری کند.

تبصره ۳: ما شاهد نقص اطلاعات در سازمان

صنعت، معدن و تجارت استان‌ها در مورد کارهای

اکتشافی انجام شده توسط سازمان‌های توسعه‌ای و

بخش خصوصی هستیم؛ اطلاعاتی که در سازمان

صنعت، معدن و تجارت یک استان وجود دارد کامل

نیست و این یک ضعف بزرگ در اجرای تبصره ۳

ماده ۵ قانون معادن است و پیشنهاد می‌شود که با

جدیت تمام آن را اجرا کنیم.

نمایندگی از دولت به‌عهده سازمان‌های توسعه‌ای مثل ایمیدرو بگذاریم.

نکته ظریفی که لازم است به آن اشاره شود عدم تداخل مسئولیت‌هاست؛ به‌عنوان مثال سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی در حیطه اکتشافات پایه در تمام مناطق کشور فعالیت می‌نماید و اگر هم‌زمان یک سازمان توسعه‌ای بخواهد به‌صورت موازی، این کار را انجام دهد باعث تداخل در مسئولیت‌ها، منافع و یا وظایف می‌شود که این مسئله ایجاد ضعف و اشکال در فعالیت‌ها می‌کند.

تبصره ۳ - کلیه وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها و ارگان‌های مرتبط مانند وزارت نفت موظف‌اند به‌منظور جمع‌بندی و هم‌افزایی نتایج فعالیت‌های تولید اطلاعات پایه زمین‌شناسی و اکتشافی برای بهره‌برداری کاربران اطلاعات خود را به‌طور مستمر در اختیار وزارت صنعت، معدن و تجارت قرار دهند.

تبصره ۳ ماده ۵ قانون معادن یک موضوع بسیار مهم و بنیادی، حساس و ظریف است به‌دلیل اینکه در سازمان‌هایی مثل سازمان توسعه‌ای ایمیدرو، تهیه و تولید، انرژی اتمی و شرکت ملی نفت فعالیت‌های اکتشافی و زمین‌شناسی به‌صورت هم‌زمان انجام می‌پذیرد و اغلب از فعالیت‌های یکدیگر اطلاعی ندارند؛ به‌عنوان مثال ممکن است سه سازمان به‌صورت موازی و هم‌زمان روی عناصر خاکی نادر کار کنند که این موضوع به‌نوعی در بعضی موارد تبدیل به موازی‌کاری و هدررفت منابع می‌شود. راهکار این است که اطلاعات به‌دست‌آمده از یک سازمان در اختیار دیگری هم قرار داده شود و در نهایت این اطلاعات در وزارت صنعت، معدن و تجارت جمع‌بندی شود، این کار بعضاً از موازی‌کاری‌ها ممانعت می‌کند؛ البته قبیل از اجرایی کردن این

در ادامه بررسی تبصره‌های ماده ۵ قانون معادن (در شماره یک ماهنامه، تبصره ۱ این ماده قانونی مورد بررسی قرار گرفت)؛ به بررسی و تحلیل تبصره‌های ۲ و ۳ می‌پردازیم.

تبصره ۲ - وزارت صنعت، معدن و تجارت می‌تواند از طریق سازمان‌های توسعه‌ای با رعایت قوانین و مقررات مربوط، در صورت عدم وجود متقاضی از بخش غیردولتی، نسبت به اکتشاف و شناسایی ذخایر معدنی در مناطق کمتر توسعه‌یافته اقدام نماید.

در واقع یکی از راهکارها و سازوکارهای ما برای

اینکه جذب سرمایه بخش خصوصی را داشته باشیم،

موضوع تبصره ۲ است و بر اساس قانون این وظیفه

را حاکمیت به‌عهده سازمان‌های توسعه‌ای مثل

ایمیدرو گذاشته است؛ اما دو نکته وجود دارد، اولاً

عنوان شده است؛ در صورتی که در بخش خصوصی متقاضی وجود نداشته باشد! سؤال این است که ما چگونه باید متوجه شویم که واقعاً متقاضی و علاقه‌مند به فعالیت‌های اکتشافی پایه در بخش خصوصی در مناطق کمتر توسعه‌یافته وجود دارد یا خیر؟ نکته بعدی اینکه ذکر شده است نسبت به اکتشاف و شناسایی ذخایر معدنی در مناطق کمتر توسعه‌یافته اقدام نماید؛ بهتر است بگوییم یک معرفی خوب، درست و صحیح از طرح‌ها، یک روش مناسب برای جذب سرمایه‌گذار در مناطق کمتر توسعه‌یافته است و یکی از اهداف ما به‌عنوان فعال بخش خصوصی معدنی، رعایت تبصره ۲ ماده ۵ قانون معادن است که باعث جذب سرمایه‌گذار غیردولتی می‌شود. ما نیازمند یک برنامه‌ریزی دقیق و منظم هستیم که با اجرای آن برنامه در صورت نبود سرمایه‌گذار بخش خصوصی، کار اکتشافی و شناسایی ذخایر را به



شرکت کیمیا معادن سپاهان
تجارت و بازاریابی در صنعت معدن

KIMIA HOLDING

گروه سرمایه گذاری کیمیا سپاهان

•  شرکت کیمیا معادن سپاهان
WWW.kimiams.com

•  شرکت کانی فراوران بن فن
www.bonfan.ir

• شرکت نگین سنگ کویر
www.neginstone.com



• شرکت فولاد کاوان حامی ایرانیان
WWW.kimiaholding.com



• شرکت سیناسنگ سپاهان
www.sinasangsepahan.com



CALL US -

031-36460000 - 021- 22356556

www.kimiaholding.com



فرم اشتراك ماهنامه معدن و حقوق معدن

مشترك ارجمند:

خواهشمند است قبل از درخواست اشتراك به نکات ذیل توجه فرمایید:

نشانی خود را کامل و خوانا با ذکر کدپستی مرقوم فرمایید .

جهت درخواست اشتراك این نشریه بهای اشتراك را مطابق جدول زیر به حساب جاری شماره ۱-۱۴۳۱۵۹۲۴-۱۱۰-۳۶۴ بانک پاسارگاد شعبه دیباجی شمالی به نام موسسه مشاوره و داوری معدن و صنایع معدنی صمتا واریز نموده و اصل فیش بانکی به همراه فرم تکمیل شده زیر را به نشانی: تهران خیابان سمیه ، بین فرصت و ایران شهر ، جنب بانک سپه ، شماره ۱۹۵ ، طبقه سوم ، کد پستی ۱۵۸۱۷۳۸۹۱۵ ارسال نموده یا به شماره ۰۲۱-۸۸۸۳۱۶۰۵ فکس نمایید. خواهشمند است کپی فیش واریزی را تا پایان مدت اشتراك نزد خود نگه دارید ، پس از ارسال فرم ، از طریق تماس تلفنی از دریافت آن توسط نشریه و برقراری اشتراك خود اطمینان یابید.

شماره های تماس : ۰۲۱-۸۸۸۱۲۷۰۲ ، ۰۲۱-۸۸۸۳۱۶۰۵ ، ۰۹۹۹۹۴۸۴۱۲

تعرفه اشتراك ماهنامه معدن و حقوق معدن			
نوع اشتراك	تعداد اشتراك	هزینه اشتراك (برای هر عدد)	میزان تخفیف
ماهانه	۱	۲۰۰۰۰ تومان	-
۶ ماهه	۶	۱۹۰۰۰ تومان	٪۱۰
سالانه	۱۲	۱۸۰۰۰ تومان	٪۲۰

مشخصات متقاضی

نام و نام خانوادگی (نماینده): نام شرکت:

شغل / نوع فعالیت: کد پستی ۱۰ رقمی:

استان: شهر:

نشانی کامل پستی:

تلفن تماس: تلفن همراه:

خواهان اشتراك سالانه ماهنامه از شماره تا می باشم.

مبلغ واریز شده: شماره فیش بانکی: تاریخ واریز:

خواهشمند است اشتراك اینجانب با مشخصات یاد شده را برقرار نمایید.

امضای متقاضی

تعرفه ماهنامه تا پایان سال ۱۴۰۱

صمتا

موسسه مشاوره و داوری معدن و صنایع معدنی

صمتا اولین موسسه ایرانی ارائه‌دهنده‌ی خدمات متنوع مشاوره فنی، داوری و اقتصادی در حوزه فعالیت‌های معدن کاری و صنایع معدنی، برای اتباع ایرانی و خارجی می‌باشد.


با توجه به اینکه در کشور عزیزمان ایران اسلامی، تاکنون هیچ مجموعه منسجمی در زمینه‌ی ارائه خدمات کلینیکی معدن و صنایع معدنی وجود نداشته است، نخبگان معدنی بر آن شدند تا اولین بار در مجموعه ی «صمتا» تمامی علاقمندان و اشخاص نیازمند به دریافت خدمات فنی، حقوقی و داوری را همراهی و پشتیبانی نموده و در قالب مشاوره، داوری و حکمیت اختلافات معدن کاران و موضوعات معدنی، معرفی و کلای خبره معدنی و دادگستری جامعه هدف را یاری نماییم.


لذا از تمامی فعالین معدنی ایرانی و غیر ایرانی دعوت به عمل می‌آید تا در صورت نیاز و ضرورت بهره بردن، پشتیبانی «صمتا» را تجربه نمایند.





نشانی شبکه‌های اجتماعی

موسسه مشاوره و داوری حقوقی داخلی و بین‌المللی صمتا:

 samtaadvocacy.ir

 info@samtaadvocacy.ir

 [@iran.samt](https://www.instagram.com/iran.samt)

 [@samt_iran](https://www.t.me/samt_iran)

معدن و حقوق معادن

MINE AND MINING LAW

■ شماره سوم ■ سال اول ■ ماهنامه حقوقی ■ مدیر مسئول: محمدرضا بهرامن ■ سردبیر: عباسعلی دریانی ■ قیمت: ۲۰۰ هزار تومان

عدم امنیت سرمایه‌گذاران

- امنیت در معدن و ضرورت صیانت از حقوق معدن کاری
- بررسی چالش‌های پیش روی مدیران در ایفای مسئولیت اجتماعی سازمانی
- پیشگیری از ممانعت‌های محلی نیازمند تعریف چهارچوب اجرایی
- معدن، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ذی‌نفعان محلی
- میزگرد حقوقی، تخصصی با موضوع بررسی چالش‌های موجود در مشارکت اجتماعی معدن کاران و تعاملات با ذی‌نفعان
- کلیدی عرصه توسعه جوامع محلی
- تحلیل ماده ۲۲ قانون معادن
- شاخص‌های بالابردن راندمان ایمنی و کاهش سوانح در معادن
- ضرورت مشارکت‌های بین‌بخشی و ذی‌نفع‌گرایی برای حل چالش‌های اجتماعی
- بررسی و تحلیلی بر تبصره ۲ و ۳ ماده ۵ قانون معادن





خانه معدن ایران
IRAN MINE HOUSE



صمتا

موسسه مشاوره و دآوری معدن

و صنایع معدنی صمتا

SHAYGAN Machinery

Design & Manufacturing Drilling Rigs

Mining
Foundation
Geotechnic
Water Well

Drilling Rig

ST20⁺



ST20



SW22



Contact us:

www.shaygangeo.com
info@shaygangeo.com
+98 912 581 7472
+98 911 236 8206
Rasht, Guilan, Iran